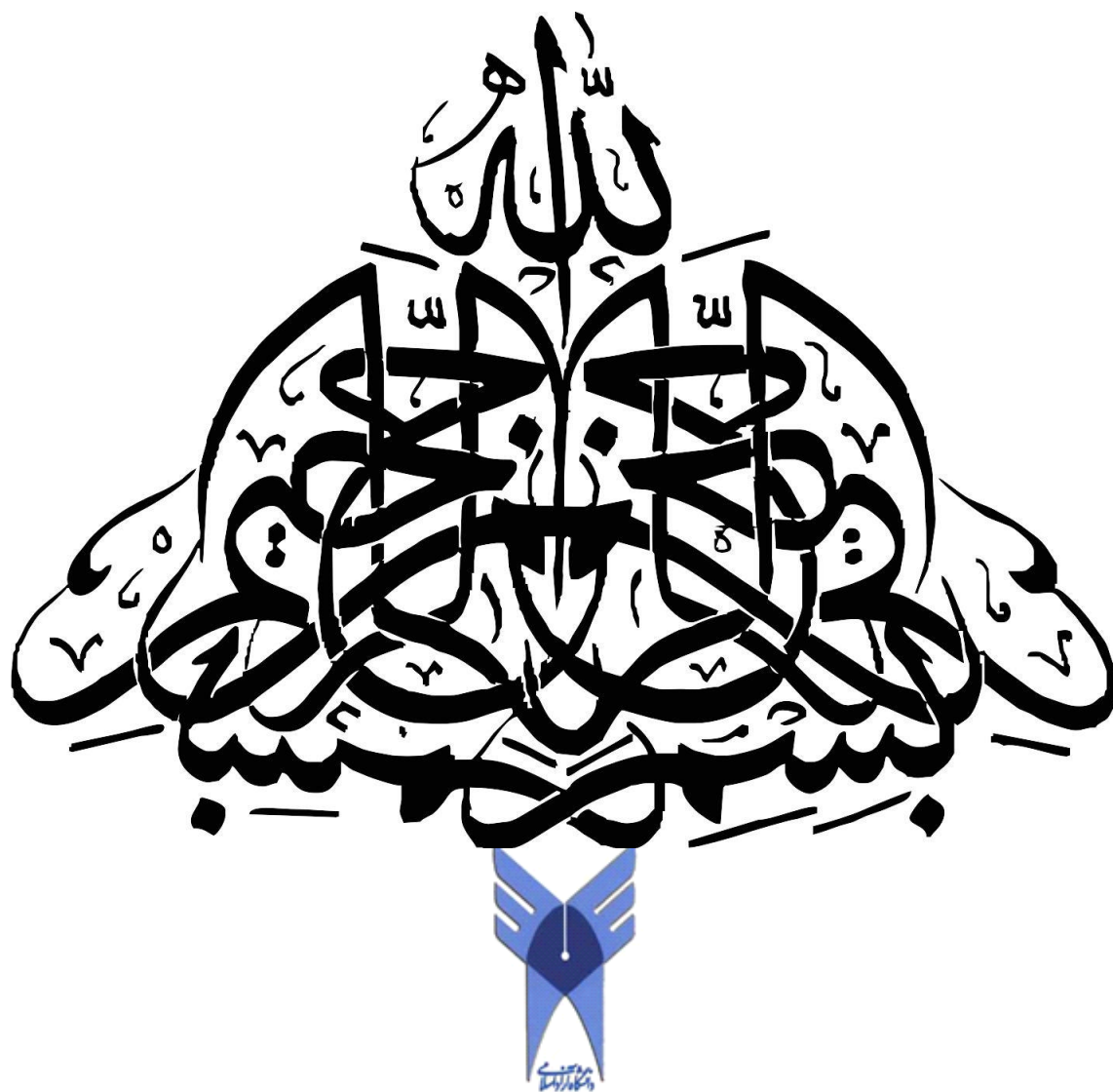




دانشگاه آزاد اسلامی

واحد قائمشهر

گروه حقوق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد "M.A."

عنوان:

مطالعه تطبیقی مقررات ناظر بر صید و ذبح در حقوق ایران و فقه اسلام

استاد راهنما:

دکتر بهنام قنبرپور

نگارش:

جعفر عبدی زیاری

تابستان 1397

سپاسگزاری

سپاس بی کران پروردگار یکتا را که هستی مان بخشید و به طریق علم و دانش رهنمونمان شد و به همنشینی رهروان علم و دانش مفتخرمان نمود و خوشه چینی از علم و معرفت را روزیمان ساخت.

زحمات استاد راهنمای محترم **جناب آقای دکتر بهنام قنبرپور** را ارج می نهیم که با صبر و حوصله فراوان مرا در مسیر این پایان نامه هدایت فرموده اند.

تقدیم به:

مقدسترین واژه ها در لغت نامه دلم، مادر مهربانم که زندگیم را مدیون مهر و عطوفت آن می دانم.

پدر، مهربانی مشفق، بردبار و حامی.

همسرم که نشانه لطف الهی در زندگی من است.

فهرست مطالب

1	چکیده
2	دیباچه
فصل اول: کلیات تحقیق	
6	1-1- بیان مسئله
6	1-2- اهمیت و ضرورت تحقیق
6	1-3- پیشینه تحقیق
7	1-4- سوالات تحقیق
7	1-5- فرضیه های تحقیق
8	1-6- اهداف تحقیق
8	1-7- روش تحقیق
8	1-8- ساختار تحقیق
فصل دوم: ادبیات و تعاریف و پیشینه و ملاکها	
10	1-2 ادبیات و تعاریف
13	2-2 پیشینه و ملاکها:
13	1-2-2 فلسفه حلال و حرام از منظر دین اسلام
18	2-2-2 ملاک حلیت و حرمت آبزیان:
19	3-2-2 ملاک حلیت و حرمت پرندگان:
21	4-2-2 ملاک حلیت و حرمت چهارپایان
فصل سوم: مقررات ناظر بر صید ذبح در حقوق ایران	
24	1-3 مقررات ناظر بر صید و ذبح در حقوق ایران قبل از انقلاب اسلامی
29	2-3 قانون مجازات اسلامی تعزیرات (مصوب 1375/3/2)
30	3-3 قانون جامع نظارت شرعی بر ذبح و صید (مصوب 1387/12/14)
فصل چهارم: مقررات ناظر بر صید و ذبح در فقه اسلام	
41-	1-4 مقررات ناظر بر صید و ذبح در فقه اسلام امامیه (شیعه)
51	2-4 مقررات ناظر بر صید و ذبح در فقه اسلام (فقه عامه - اهل سنت)
62	3-4 مقررات ناظر بر صید و ذبح در فقه اسلام (مفترقات و مشترکات مذاهب عامه و امامیه)
62	1-3-4 شرط مسلمان بودن ذابح:
63	2-3-4 ذکوریت ذابح:
64	3-3-4 بلوغ ذابح
64	4-3-4 اشتراط عقل و اختیار در ذابح:

65		<u>5-3-4 شرط اختیار و طهارت از حدث اکبر در ذابح:</u>
65		<u>6-3-4 استقبال قبله:</u>
66		<u>7-3-4 شرط تسمیه:</u>
67		<u>8-3-4 قطع رگ ها:</u>
68		<u>9-3-4 استقرار حیات در زنده بودن ذبیحه در هنگام ذبح:</u>
68		<u>10-3-4 استناد ذبح به ذابح:</u>
69		<u>11-3-4 آهن بودن آلت ذبح:</u>
69		<u>12-3-4 خروج خون و حرکت پس از ذبح:</u>
70		<u>13-3-4 قطع نخاع ذبیحه پیش از خروج روح نخاع ذبیحه قطع گردد:</u>
70		<u>14-3-4 جدا شدن سر ذبیحه:</u>

فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادها

73		<u>1-5 نتیجه گیری</u>
75		<u>2-5 پیشنهادها</u>
75		<u>1-2-5 پیشنهاد اول:</u>
76		<u>2-2-5 پیشنهاد دوم:</u>
77		<u>3-2-5 پیشنهاد سوم:</u>
		<u>4-2-5 پیشنهاد چهارم:////////////////////</u>

ضمائم

احکام شرعی صیدو ذبح از فقهای معاصر امامیه
استفتائات شرعی صیدو ذبح از فقهای معاصر امامیه

95		<u>منابع و مأخذ</u>
----	-------	---------------------

چکیده

از آنجائیکه شرع مقدس و قانون دو عنصر اساسی است که در اکثر تصمیمات و ایجاد انضباط و عدالت و سلامت در جوامع اسلامی به آنها توجه خاصی شده است و بشر بعنوان خلیفه الهی در کره ی زمین همواره در تلاش است تا تمامی رفتارهایش بر اساس شرع و قانون باشد و با توجه به تاثیرات و ارزش مادی و معنوی که غذا در رشد و تکامل انسان دارد .و رشد فزاینده تقاضا برای غذای حلال و بازار پرسود مسلمین با جمعیت بیش از 6/1 میلیاردی جهان اسلام و حساسیتی که مسلمین به غذای حلال و طیب دارند بر آن شدیم تا در این تحقیق ضوابط و مقررات صید و ذبح در حقوق ایران و شرع مقدس اسلام را مورد بررسی قرار داده تا با ارائه قوانین و نیز نظرات و آرای فقیهان عامه و امامیه در زمینه صید و ذبح گامی جهت رشد و آگاهی و آشنایی بیشتر افراد مسلمان و غیر مسلمان با ضوابط صید و ذبح بشود .دراین تحقیق به این نظر رسیدیم که قانون صید و ذبح مصوب 1387/12/14 قانون جامعی در زمینه مقررات و ضوابط صید و ذبح بوده و در فقه اسلام هم با اعمال نظرهای فقهی امامیه نظرهای فقهی فقههای عامه هم تامین خواهد شد و می توان به وحدت رویه واحد در ضوابط صید و ذبح در فقه اسلام رسید

واژگان کلیدی: صید-ذبح- حلال - حرام-قانون-حقوق- تذکیه- مردار

دیباچه:

"كلوا مما رزقكم الله حالالا طيبا و اشكروا نعمت الله ان كنتم اياه تعبدون" .سوره ی نحل آیه(114)

اگر انسان متعبدی هستید از رزق و روزی حلال و پاکیزه (پاک و بهداشتی) که نصیبتان کردیم بخورید و شکرگزار نعمت خداوند باشید.

"حرمت علیکم الميته و الدم و لحم الخنزیر وما اهل لغيرالله به والمنخنقه و الموقوده و المترديه والنطیحه و ما اكل السبع الا ما ذکیتم" . سوره مائده آیه (3

مردار و خون و گوشت خوک و هر آنچه که در هنگام کشتن اش ذکر و نام و یاد خدا نکرده باشند و حیوانی را که خفه کرده باشند و یا با سنگ و چوب کشته باشند و یا از بلندی و یا در چاه افتاده و مرده باشد و یا بوسیله شاخ زدن حیوان دیگری کشته شده باشد و یا درنده ای آنرا خورده باشد) بخش از آنرا (باستثنای آنچه که تذکیه کنید و حیوانیکه روی سنگهایی مقدس ذبح شده باشد و همچنین قسمت کردن با تیرهای قمار، اینها همه برای شما مومنان حرام شده و فسق است.

"یسئلونک ماذا احل لهم قل احل لكم الطیبات" سوره مائده آیه(4)

ای پیامبر از تو می پرسند چه چیزهایی خوردنش برایشان حلال است بگو چیزهای پاکیزه برای آنها حلال است.

... "و یحل لهم الطیبات و یحرم علیهم الخبائث" سوره اعراف آیه(57)

دعوت پیامبر اسلام) ص (هماهنگ با فطرت پاک و سلیم است و طیبات و آنچه را طبع سلیم می پسندد برای مسلمان حلال است و آنچه خبیث و تنفرآمیز می باشد حرام می باشد.

قال رسول الله) ص : (ان اخوف ما اخاف علی امتی من بعدی هذا المكاسب الحرام و الشهوه الخفیه و الربا

{ (الکافی)(1/124/5 نیلی پور- بهشت اخلاق-1385-ج-2ص{407)

بیشترین ترسم بر امتم در آمدهای حرام، ریاست طلبی در دانشمندان و رباخوری است.

(قال رسول الله) ص : (من اكل الحلال اربعین یوما نورالله قلبه و اجرى ینابیع الحکمه من قلبه علی لسانه

{ جامع السادات)(2/178) نیلی پور- بهشت اخلاق-1385-ج-2ص{405)

هر کس چهل روز حلال بخورد خداوند قلبش را نورانیت می بخشد و چشمه های حکمت را از دلش بر زبانش جا کند.

امال-

قال رسول الله (ص): (العباده سبعون جزء و افضلها جزء طلب الحلال) {
کافی}(نیلی پور- بهشت اخلاق-1385-ج-2ص{405}

عبادت هفتاد جزء دارد که برترین آن کسب حلال است.

قال الصادق (ع): (و اما الميته فانه لا يدينها احد الا ضعف بدنه و نحل جسمه و ذهب قوته و انقطع نسله و لا يموت اكل الميته الا فجاه

(مکارم- تفسیر نمونه-1380-ج1ص585)

کسی که گوشت مردار و میتة شدن را بخورد جسمش لاغر و نیرویش سست و نسلش قطع می گردد و فردی که گوشت مردار و میتة شده را بخورد به مرگ ناگهانی می میرد

از طرفی مکتب نورانی اسلام) بعنوان دین کامل (تعالیم جامع ائی را با ظرافتی خاص در مورد مصرف مواد غذایی اعمال داشته دهها دستور در مورد آداب غذا خوردن بیان داشته که قبل از غذا خوردن ذکر خدا بگوئید و شروع و پایان غذا خوردن با کمی نمک باشد و میوه جات را قبل از خوردن حتما بشوئید و حتی شیوه غذا خوردن را هم مد نظر قرار داده که در هنگام غذا خوردن بصورت دسته جمعی غذا بخورید و نشسته غذا بخورید، و با فروتنی و آرامش غذا بخورید - غذا را خوب بجوید و بخورید و ...و در مورد کیفیت غذا و حتی برای بعد از غذا خوردن هم دستوراتی دارد.

خدای رحمان در قرآن کریم می فرماید فانظروا الی طعامک ... امر می کند که بنگرید چه چیزی را می خورید این کلام پرمعنی بیانگر نقش معجزه آسای غذا در سلامت روحی و جسمی ابنای بشر است در روایتی که از ائمه طاهرین (ع (در باب مضرات و خطرات لقمه حرام، و مصرف مردار و اثرات مثبت غذای پاک و حلال بیان شده و نیز تحقیقات علمی که انجام گرفته همگی کاشف از ژرف نگری دین مبین اسلام دارد

در باب ماکولات و مشروبات در قرآن کریم مکرر به دو واژه برخورد می کنیم که بصورت ویژه ای به آن توجه داده شده که می توان بعنوان نکته کلیدی و برگ سبز ماکولات و مشروبات از دیدگاه قرآنی از آن نام برد.

و آن دو واژه کلیدی عبارت است از « **حلال** » و طیب و واژه دیگر « **حرام** » و خبیث می باشد.

از آنجائیکه کسب غذای حلال و طیب و مصرف آن مقدماتی را می طلبد یکی از مقدمات مهم آن تذکیر می باشد که همانا با صید و ذبح صحیح و شرعی محقق می گردد.

و در این تحقیق به ضوابط و مقررات صید و ذبح در فقه اسلام و حقوق ایران پرداخته می شود و در صدد آنیم که به این سوال اساسی پاسخ داده شود که آیا در حقوق و مجموعه قوانین مدون ایران و فقه اسلام در زمینه ی صید و ذبح ضوابط و مقررات خاصی معین شده است؟ و اگر تعیین شده آن چه می باشد

امید است این مجموعه بعنوان ابزار کمک آموزشی مورد بهره برداری قرار گیرد و شاید گامی جهت اتحاد بیشتر مسلمین باشد و مذاهب بزرگ اسلامی اهل سنت و اهل تشیع با وحدتشان امت محمدی را یکپارچه نموده و نقشه ی شوم دشمنان اسلام در ایجاد نفاق را نا کام گذاشته و رضایت و خشنودی پروردگار را کسب نمایند و شاهد شکوه و عزت و پیشرفت و تعالی هر چه بیشتر مسلمین بوده و با محبت و مهربانی و گذشت و ایثار و تفاهم و همدلی و وحدت کلمه شاهد صفا و صمیمیت و نشاط و شادابی در جوامع اسلامی باشیم و کینه و کدورت و جنگ و بردار کشی از جوامع اسلامی رخت بر بندد .
آمین یا رب العالمین

فصل اول:

کلیات تحقیق

1-1- بیان مساله

با توجه به جمعیت 1.6 میلیاردی مسلمانان جهان و نقش معنوی و آثار اقتصادی غذای حلال و به جهت اهمیت خاصی که در قرآن کریم به مسئله غذای حلال شده است و اجازه مصرف غذا را به شرط تحقق حلیت و طیب دانسته است (کلوا مما فی الارض حلالاً طیباً)... (سوره بقره آیه 172 و امر به توجه ویژه غذا شده) (فلینظر الانسان الی طعامه)... (سوره عبس ایه 24) و نیز روایات معصومین (ع) در آثار بسیار مثبت غذای حلال و نقش مخرب غذای حرام وارد شده است.

در حقوق ایران و نیز در فقه اسلام چه ضوابط و مقرراتی مدون و معینی در زمینه صید و ذبح هست ؟

در این تحقیق در صدد آنیم که به تبیین و تشریح قوانین موضوعه در زمینه صید و ذبح در حقوق ایران بپردازیم و به ایرادات و نیز پیشنهاد های هم ارائه داده. و به شفافیت آن بپردازیم و نیز به تفسیر ضوابط و مقررات صید و ذبح در فقه اسلام و نیز وجوه مشترک و ضوابط حاکم بین مذاهب مختلف اسلامی پرداخته شود.

1-2- اهمیت و ضرورت تحقیق

از آنجاییکه کتاب مقدس مسلمانان (قرآن کریم) در آیات مختلفی به جایگاه و نقش غذا در صحت و سلامت انسانی پرداخته است و نیز در روایتی که از امام جعفر صادق (ع) نقل شده که اثرات مخرب غذای حرام که در فرد و اجتماع می گذارد و با توجه به بعد اقتصادی که برند حلال در اقتصاد جوامع اسلامی دارد و تبیین قانون و ضوابط صید و ذبح می تواند گامی موثر در خدمت به آحاد مسلمانان باشد. لذا آگاهی مراکز مشمول قانون صید و ذبح و نیز مسلمانان نسبت به حق حقوقشان در زمینه صید و ذبح امری مهم بنظر می رسد.

1-3- پیشینه تحقیق

بنظر تاکنون تحقیقات جامعی در زمینه موضوع تحقیق انجام نشده است و تحقیقی که با نگاه هم حقوقی و هم فقهی به مسئله ضوابط صید و ذبح پرداخته باشد مشاهده نشده است.

-4-1 سوالات تحقیق

سوال اصلی:

آیا احکام وقوانین ناظر بر صید و ذبح در فقه اسلام با حقوق ایران مطابقت دارد؟

سوال های فرعی:

1- در حقوق ایران آیا مجازاتی برای متخلفین از ضوابط صید و ذبح در نظر گرفته شده و در صورت مثبت بودن چه مجازاتی پیش بینی شده است و در فقه اسلام برای کسانی که مقررات و ضوابط صید و ذبح را رعایت نکنند چه تمهیداتی پیش بینی شده است؟

2- آیا مذاهب مختلف اسلامی در باب صید و ذبح اتفاق نظر دارند یا اختلاف نظر و آیا وجوه مشترکی وجود دارد بین مذاهب اسلامی در این زمینه؟

-5-1 فرضیه های تحقیق:

فرضیه اصلی:

1- به نظر می رسد احکام وقوانین ناظر بر صید و ذبح در فقه اسلام با حقوق ایران مطابقت دارد

فرضیه های فرعی:

1- به نظر می رسد آسیب ها و ضرر و زیانی که بواسطه عدم رعایت ضوابط صید و ذبح ایجاد می شود مجازاتهایی در فقه اسلامی و حقوق ایران پیش بینی شده است.

2- به نظر می رسد به جهت این که کتاب مقدس و مشترک بین مذاهب مختلف اسلامی (قرآن کریم) (است بنظر در زمینه صید و ذبح وجوه مشترک زیادی بین مذاهب مختلف اسلامی وجود دارد البته افتراقاتی هم هست.

-6-1 اهداف تحقيق:

الف- هدف کلی:

مطالعه تطبیقی مقررات ناظر بر صید و ذبح در حقوق ایران وفقه اسلام

ب- اهداف جزئی:

- 1- به قوانین حقوقی و مقررات شرعی صید و ذبح بطور توانمند پرداخته شود.
- 2- این تحقیق بتواند در اختیار مراجع تصمیم گیر در زمینه صید و ذبح و نیز مراکز که بر اساس قانون ملزم به رعایت آن هستند و مردمی که مصرف کننده محصولات گوشتی هستند آگاهی شان را بالا ببرد .
- 3- به عنوان یک مرجع کمک آموزشی در اختیار ذابحین و ناظرین شرعی و مراکز آموزشی قرار گیرد.
- 4- بررسی ملاکها و نشانه های حلیت و حرمت آبیان و پرندگان و حیوانات (چهارپایان)
- 5- تفکیک مفاهیم مشابه
- 6- بررسی نظرات فقهای عامه در زمینه ضوابط صید و ذبح
- 7- بررسی نظرات فقهای امامیه در زمینه ضوابط صید و ذبح
- 8- بررسی وجوه اشتراک و افتراق دیدگاه فقهی فقهای عامه و امامیه در مورد احکام صید و ذبح
- 9- در بررسیها ئیکه از حقوق ایران و نیز نظرها فقهای عامه و امامیه در زمینه صید و ذبح شد اگر نتیجه خاصی و یا پیشنهادهایی به نظر رسید بیان شود

-7-1 روش تحقیق:

تحقیق حاضر از لحاظ نوع داده ها جنبه تحلیلی و توصیفی دارد و از لحاظ هدف جزء تحقیقات کاربردی و علمی می باشد . روش جمع آوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای است .

اطلاعات داده های جمع آوری شده در این تحقیق بر شیوه استدلالی و عقلانی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار می

دهد

-8-1 ساختار تحقیق:

فصل اول - کلیات تحقیق

فصل - ادبیات و پیشینه

فصل سوم - مقررات ناظر بر صید ذبح در حقوق ایران

فصل چهارم - مقررات ناظر بر صید و ذبح در فقه اسلام

فصل پنجم - نتیجه گیری و پیشنهادها

فصل دوم:

ادبیات و مفاهیم و پیشینه تحقیق

-2-1- مفاهیم:

-2-1-1- تذکيه:

که با حرف دال ساکنه نوشته شود در لغت به معنی پاک و پاکیزه کردن است و در اصطلاح فقهی تذکيه به مجموعه روشهای شرعی اطلاق می شود که با بکارگیری آن اجزای حیوان بعد از آن پاک و قابل مصرف می گردد.

(رحمانی- احکم فقهی-1377- ص50)

حیوانات حلال گوشت بواسطه تذکيه شرعی خوردن گوشتشان حلال می گردد و حیوانات حرام گوشت بواسطه تذکيه شرعی پاک می گردند و از پوست و دیگر متعلقات آن برای مصارف غیر خوراکی می توان استفاده نمود. البته باز هم باستثنای حیوانات نجس العین مثل سگ و خوک که اصلاً قابلیت طهارت و پاک شدن را نداشته و غیر قابل تذکيه می باشند و حتی با ذبح هم باز نه قابلیت مصرف خوراکی دارند و نه غیر خوراکی البته حیوانات نجس العین تنها با استحاله پاک می شوند

-2-1-2- تزکيه:

که با حروف دوم اش زاء ساکنه نوشته شود معنی وسیعی دارد که شامل مفاهیم (پاکسازی روح از آلودگی و شرک و هم پاکسازی از اخلاق رذیله، و هم پاکسازی عمل از محرمات و هر گونه ریا و هم پاکسازی مال و جان بوسیله دادن زکات در راه خدا می باشد:

(مکارم-تفسیرنومه-1380-ج-26-ص403)

-2-1-3- حلال:

شامل کسب و درآمد حلال است و در فقه اسلامی در باب مکاسب محرمه مباحث مبسوطی بیان شده، فی الجمله این که تمامی کسب درآمد هائیکه فقهای دین اجازه اش را داده باشند و مطابق با عقود اسلامی و بر اساس معاملات اسلامی باشد و حقوق شرعی آن پرداخت شده باشد حلال است و هر گونه درآمدی که بر خلاف فتاوی فقهای دین باشد و یا آن را نهی کرده باشند و یا برخلاف عقود اسلامی باشد که در فقه اسلامی نهی شده باشد و یا حقوق شرعی اش پرداخت نشده باشد جزء درآمد حرام شمرده شد که بحث درآمد حلال و حرام جزء موضوع بحث این مقاله نیست.

اما واژه حلال در ماکولات شامل تمامی خوردنیهایی می شود که شرع مقدس اسلام و فتاوی فقهای دینی اجازه مصرف آنرا داده باشند که بعضی از خوردنیها بدون نیاز به مقدمه ای خاص فقط اگر متنجس نشده باشد و پاک باشند خوردنشان حلال است مثل حبوبات و ... ولی بعضی از خوردنیها بعد از تحقق مقدماتی مصرفشان حلال می گردد مثل گوشت گوسفند و گاو و دیگر حیوانات حلال گوشت اعم از اهلی و وحشی و پرندگان و آبزیان که بعد از تذکيه شرعی قابلیت خوردنی پیدا می کند و خوردن گوشتشان حلال می گردد و الا حرام است.

(توضیح المسائل مراجع-1390-ج2-ص568-مساله 2583)

-4-1-2 مردار (میتة):

هر حیوان حلال گوشت که خود بخود بمیرد و یا بدون تذکيه شرعی کشته شود مردار محسوب میشود.

(استفتاءات- امام خمینی-1372-ج2-ص495)

هر حیوانی که خون جهنده (نفس سائله) داشته باشد اگر خود به خود بمیرد و یا بدون تذکيه شرعی کشته شود میتة و مردار شده و نجس هم می باشد ولی اگر نفس سائله نداشته باشد و خود به خود بمیرد پاک است ولی باز هم خوردنش حرام است مثل ماهی اگر بدون تذکيه و خودبخود در داخل آب بمیرد مردار محسوب می شود اما از آنجائیکه ماهی خون جهنده ندارد گرچه بدون تذکيه شرعی بمیرد پاک بوده و لی باز هم قابلیت مصرف خوراکی انسانی را ندارد.

(توضیح المسائل مراجع-1390-ج2-ص569)

-5-1-2 قابلیت تذکيه:

حیوانات از لحاظ قبول تذکيه شرعی و عدم آن و آثار تذکيه متفاوتند.

-برخی از حیوانات اصلاً قابلیت تذکيه را ندارند الا به استحاله که عبارتند از حیوانات نجس العین مثل سگ و خوک چه برای مصارف خوراکی و حتی غیر خوراکی

(توضیح المسائل مراجع-1390-ج2-ص570)

-برخی از حیوانات قابلیت تذکيه فی الجمله را دارند. حیوانات حرام گوشتی که نفس سائله دارند (خون با جهش و جهنده از بدنشان جاری می شود اگر رگ گردنشان بریده شود) و نجس العین هم نباشد با تذکيه فقط پاک می شوند ولی گوشتشان

هرگز حلال نمی شود البته در حال اختیار، باز هم خوردن گوشتشان همچنان حرام است. مثل درندگانی همچون شیر و پلنگ و ... و نیز غیره درندگان حرام گوشت مثل خرگوش و امثالهم که بعد از تذکيه پوست آنها پاک می گردد و برای مصارف غیر خوراکی قابلیت مصرف پیدا می کنند.

- حیواناتی که خون جهنده ندارند مثل ماهی اگر چه تذکيه هم نشوند باز هم پاک هستند و تذکيه این دسته از حیوانات که خون جهنده ندارند تنها سبب حلیت گوشت شان و مصرف خوراکی آنان می شود. چرا که حیواناتی مثل ماهی اگر خود بخود در آب بمیرند و مردار شوند پاک هستند) چون نفس سائله ندارند (ولی خوردنشان حلال نمی باشد و حرام است چونکه تذکيه نشده است.

(توضیح المسائل مراجع-1390-ج2-ص569)

- اما حیوانات حلال گوشت بعد از تذکيه شرعی علاوه بر پاک شدن گوشتشان قابلیت مصرف خوراکی انسانی پیدا می کند و حلال می گردد (با استثنای 15 عضو آن)

-6-1-2 روش تذکيه حیوانات حلال گوشت:

-1-6-1-2 تذکيه اختیاری :

عبارت است از تذکيه حیوان اهلی حلال گوشت که در تمکين ذابح است و باید آلت ذبح بر حلق او واقع گردد.

(رحمانی-احکام فقهی-1377-ص121)

-2-6-1-2 تذکيه اضطراری:

تذکيه حیوان اهلی است که فراری شده و در تمکين ذابح نیست. منظور از تذکيه اضطراری وارد کردن جرح وزخمی نمودن هر جای بدن حیوان است) (رحمانی-احکام فقهی-1377-ص121)

-7-1-2

فقه اسلام :

منظور شریعت اسلام و نظرات فقهی فقیهان اعم از شیعه و سنی می باشد.

2-1-8-فقه عام:

منظور نظرات فقهی فقیهان اهل سنت می باشد.

2-1-9-فقه خاص (امامیه)

منظور نظرات فقهی فقیهان شیعی که همانا امامیه هم میگویند می باشد.

2-1-10-حقوق ایران:

مجموعه قوانینی است که در حقوق ایران در زمینه صید و ذبح آمده

2-1-11-صید :

یکی از روشهای تذکيه حيوان حلال گوشت است که بیشتر در مورد آبزیان و نیز حیوانات وحشی بکار می رود.

2-1-12-ذبح :

یکی دیگر از روشهای تذکيه حیوانات حلال گوشت است.

2-2-پیشینه وملاکها:

- 2-2-1-فلسفه حلال و حرام از منظر دین اسلام

علامه طباطبائی در ذیل آیه "حرمت علیکم الميته والدم و لحم الخنزیر و ما احل لغير الله به " ...

(سوره مائده آیه 3)

حرام شده بر شما خوردن مردار و خون و گوشت خوک و هر چه که در هنگام کشتنش یاد خدا نکرده و...

دربیان فلسفه حلال و حرام باتشریح نیاز انسانها و ضررو زیان و آسیب های ناشی از مصرف غذای حرام بر روح و روان انسانها اظهار داشته اند

(تفسیرالمیزان-علامه طباطبائی-1376-ج-5 ص 289)

انسان همچون سایر حیوانات و نباتات دارای جهاز تغذی است و هر چه از اجزای مادی که بتواند به بدن خود ضمیمه کند به طرف خود جذب می کند. بنابراین برحسب طبع مانعی نیست که انسان هر آنچه را که قابل جویدن و بلعیدن باشد را بخورد بر اثر داشتن **ضرر یا تنفر** طبع از آن تنفر ورزد. که این ضررها ممکن است **ضرر جسمی** باشد مثلاً بداند خوردنش موجب مسمومیت و ضرر رساندن بر جسمش می گردد و بخاطر اینکه مانع از ضرر رساندن به جسم اش شود از خوردن خودداری می کند. و یا **ضرر معنوی** باشد به اینکه دریابد که خوردن آن چیز برای او ضرر معنوی دارد مانند خوردنی ها یبکه در ادیان و شرایع مختلف قدر و حرام شده اند لذا تفکراتش مانع از خوردنش می شود. البته نخوردن برخی غذاها منشا اش می تواند تنفر باشد

که **منشا** تنفرگاهی تنفر ذاتی است. **تنفر ذاتی** عبارت است از اینکه طبع آدمی یک چیز را پلید و قدر بداند و در نتیجه از نزدیک شدن به آن خودداری می کند مثل آنکه انسان مدفوع خود را نمی خورد چون آن را کثیف می داند. و گاهی این **تنفر اعتقادی** است یعنی تنفر بواسطه عوامل اعتقادی در فرد ایجاد می شود یعنی مذهب و آیین های مختلف است که در اجتماعات گوناگون رواج دارد. مثلاً مسلمانان گوشت خوک را پلید می شمارند ولی نصرانیها آنرا پاک و طیب می دانند، غربیها از انواع گوناگون حیوانات تغذی می کنند در حالیکه شرقیها از بعضی انواع حیوانات دوری میجویند. البته **سلائق بشر در مصرف گوشت مختلف است** آدمی در خصوص گوشت خواری طریقه مختلفی داشته و دارد برخی **آزادی مطلق** را در گوشت خواری دارند و آزادی مطلق و بی قید و شرط گرفته تا خودداری مطلق که **افراط کامل و تفریط کامل** ختم می شود، هر گوشتی را که بشر مباح و حلال دانسته از طبیعت خود پیروی کرده و از گوشتهای که انتفاع کرده بر اثر فکر و یا طبق ثانوی بوده است. و برخی **ممنوعیت مطلق** را برمی گزینند بعضی از آیین ها گوشت کلیه حیوانات را تحریم کرده و این **تفریط** در برابر افراطی است که در بین بعضی ملل وحش و سایر و حشیان دائر بوده و انواع گوشتها حتی گوشت ... را نیز می خورند.

بعضی از اقوام و ملل گوشت چهار پاها و حیوانات حتی امثال موش - چلپا سه و سگ و گربه و حتی کرم و ... را می خورند و حتی خون را هم می خورند و روده حیوان را پر از خون می کنند و می خورند، در هنگام قحطی و خشک سالی شتر خود را با سر نیزه مجروح می کنند و هر مقدار که خون از شتر می ریخت را میخوردند امروز نیز خوردن خون در بین بسیاری از ملل غیر مسلمان رواج دارد.

در این میان دین اسلام بعنوان دین کامل روش اعتدالی را ارائه داده است مسلمانان از بین چهارپاها فقط بز و میش و شتر و گاو را حلال دانسته از میان پرندگان برخی پرندگان را حلال می دانند و از میان آبزیان فقط ماهیانی که فلس دارند را حلال دانسته و البته حیوانات حلال گوشت را بعد از تذکیه قابل مصرف می دانند والا خوردن شان را حرام می دانند و اسلام راه اعتدال را توصیه کرده است. **اما انسان بعنوان موجودی مختار** نه مثل گوسفند و گاو است که نتواند ببرد و بدرد و نه مثل درنگانی است که نتواند نرم کند بلکه هم می تواند ببرد و هم می تواند نرم کند و بحدود بعلاوه دارای قوه ذائقه ای است در دهان از طعم غذاها و گوشت لذت می برد و در درجه بعد، شهوتیکه از سایر اعضا هضم او قرار دارد از گوشت خوشش می آید همه اینها هدایت تکوینی است و فرمان اباحه و اجازه است که از خلقت انسان نشأت گرفته است.

اسلام یک دین فطری است که اهتمامش در این است آثار فطرت که بر اثر جهالت آدمی محو شده را بار دیگر زنده کند و هر چه را که خلقت بدان راهنمایی و فطرت بدان حکم کرده را مباح نماید دین اسلام همانطوری که بر اثر تشریع، این حکم فطری را زنده می کند. احکام دیگری را نیز وضع می کند که قانون گذار تکوین آنها را وضع کرده است و این احکام مانع لجام گسیختگی است و باعث اعتدال در حکم تغذی می گردد و بر اساس حکم عقل اجتناب از گوشتهاییکه ضرر جسمی و یا معنوی دارند را واجب و بر اساس احساسات و عواطف باطنی حکم می کند که باید از چیزهاییکه طبعیهای مستقیم از آن متنفر است و بدشان می آید بر حذر بوده و از خوردن آن خودداری نمود.

ریشه های این دو حکم (عقل و احساسات) منتهی به یک تصرفی است از قاعده تکوین. اسلام این دو حکم را معتبر دانسته و هر آنچه که به نحو جسمانی و یا بمصالح جامعه انسانی ضرر بزند را حرام دانسته و همچنین خباثات و چیزهاییکه طبع های مردم از آن بدش می آید حرام کرده است (تفسیرالمیزان-علامه طباطبائی-1376-ج-5-ص 289).

از اما جعفر صادق(ع) سوال شد که چرا خداوند میتة و خون و گوشت خوک را حرام کرده است؟

رئیس مذهب تشیع در مورد فلسفه حرمت مردار، خون، گوشت خوک و خمر فرمودند: خداوند تبارک و تعالی از این نظر اینها را بر بندگان خود حرام نکرده و چیزهای دیگر را حلال، که نسبت به آنچه حلال کرده خودش رغبت داشته و نسبت به آنچه حلال کرده بی علاقه، بلکه خدا خلق را آفرید و می دانست بدنهای آنها به چه چیزی قوام دارد و چه چیزهایی به مصلحت ایشان است لذا هر چه باعث قوام بدن و مصلحت

آنان بوده بحکم تفضل بر بندگان ، حلال و مباح ساخته و از آن جاییکه که می دانست چه چیزهای برای انسان مضر است از آنها نهی و آن چیزها را حرام ساخت و آنگاه همین محرمات را برای کسی که مضطر شد به قدری که او را نگهدارد (نه بیشتر (حلال و مباح ساخته و دستور داد بخورد و در ادامه حضرت فرمودند:

و اما الميته فانه لايدنيها احد الا ضعف بدنه و نحل جسمه و ذهب قوته و انقطع نسله و لا يموت اكل الميته الا فجاتا) ...وسائل شيعه- ج-16ص(310

کسی نیست که به مردار نزدیک شود و از آن بخورد مگر آنکه بدنش ضعیف و جسمش لاغر و نیرویش سست و نسلش قطع شود، آدم مردار خور ناگهانی می میرد.

اما خون باعث مرض کلب) که نوعی مرضی است که همراه باعطش شدید که شبیه جنون است (و قساوت قلب و کمی رافت و رحمت می شود و کسی که خون می خورد از کشتن پدر و مادر خود و خویشاوندان و دوستان خود ابائی ندارد.

و اما گوشت خوک :خدا عده ای را بصورتهای گوناگون مسخ کرده شبیه خوک و بوزینه و خرس و هر چه مسوخات دیگر است و آنگاه و از این نوع حیوانات بهره مند نگردند و با عقوبات آن خوار نگردد.

و اما خمر :خدا بواسطه کاری که شراب میکند و فسادی که به بار می آورد آنرا حرام کرد، دائم الخمر مثل بت پرست است شراب باعث ارتعاش بدن شرابخوار می شود و نور دلش را میبرد و مروت و مردانگی اش را خراب می کند و او را بر آن می دارد که کارهای حرام از قبیل قتل و ارتکاب زناء دست بزند، آدمی که مست شد از این امان ندارد که به محرم خود تجاوز کند در حالی که نمی فهمد، و شراب شرابخوار را بطرف همه بدیها می

کشاند) ..تفسیرالمیزان-علامه طباطبائی-1376- ج-5ص (299

-2-2-2-بخشی از زیانهای مصرف حرام) گوشت خوک (ومضرات مصرف غذاهای حرام:

-2-2-2-1-زیانهای معنوی و اخلاقی

از جمله موضوعاتی که در علوم طبیعی به آن می پردازند این است که انسان گوشت هر حیوانی را که بیشتر بخورد متصف به اخلاق برجسته آن حیوان می گردد، اگر دائما خوراکش گوشت گاو باشد صفت گاوی و زورمندی در او پیدا می شود و اگر از گوشت و شیر گوسفندی بخورد خوی نرم پیدا می کند و خوردن گوشت خوک نیز موجب می شود انسان شبیه به اخلاق خوک را بگیرد و از آن جائیکه خوک حیوانی است که به بی غیرتی مشهور است و هیچگونه ادبی در زناشویی ندارد هیچ حیائی از خود بروز نمی دهد تا جائیکه اروپائیان خود متوجه این موضوع شده اند و هر کس را به بی غیرتی و نقص حمیت سب می کنند او را به نام خوک می خوانند .و دیگر زیانهای مصرف گوشت خوک این است که خوک هر گونه کثافتی را پیدا کند می خورد لذا وجودش سراپا کثافت است .معروف است که خوک مظهر شیطان است و این فکر را خود اروپائیان نیز باور دارند و در کتب مذهبی شان آمده است.

--2-2-2-2-زیانهای جسمی:

اما در مورد زیانهای جسمی مصرف گوشت خوک می توان به تریشین و کرم کدو اشاره کرد که منشا ایجاد بیماریهای مختلف در بدن انسان می شود که بر اثر مصرف گوشت خوک وارد بدن انسان می شود.

زیانهای مصرف گوشت منحصر به موارد فوق الذکر نمی باشد بلکه اصولا گوشت خوک ثقیل الهضم است و معده را به زحمت می اندازد و موجب انواع مسمومیتها می گردد.

حقیقتا باید به حال کسانی که از این تجربیات علمی زیانهای مصرف گوشتهای حرام را فهمیده اند و باز در خوردن آن اسرار میورزند افسوس خورد.

و ضمنا نسبت به بزرگی و کمال دین مبین اسلام که در 1400 سال پیش در وقتی که دنیا از این گونه مسائل خیلی دور بوده بطور واضح و روشن به زیانهای مصرف گوشت خوک و خون و مردار و ... اشاره نموده است اقرار باید کرد و می بایست بر خود ببالیم که پیرو چنین مکتب مترقی ای هستیم).تفسیرالمیزان-علامه طباطبائی-1376-ج-5ص (299

-3--2-2-

ملاک حلیت و حرمت آبزیان:

1-2-3-2 در آیه 13 سوره نحل که خداوند فرمودند (و هو الذی سخر البحر لتأکلوا منه لحما طریا و...) او خدائی است که دریا را مسخر کرد تا از آن گوشت تازه (ماهی) بخورید.

در روایت منقول از امام صادق (ع) که فرمودند آن نوع از ماهیانی را که دارای پولک نیستند نخورید و نفروشید – آن ماهی که دارای پولک است ، بخورید و ماهیانی که پولک ندارند نخورید.

(فصل نامه فرهنگ جهاد-1374-ش-2ص(149)

-2-3-2 از نظر فقههای امامیه حلیت آبزیان تابع دو شرط اساسی است:

الف :از جهت شکل و اندام فیزیکی از خانواده ماهیان باشد

ب :بر روی بدن آنها، فلس (پولک) داشته باشد .

(ترجمه لمعه-شیروانی-1383-ج-2ص(180)

امام خمینی(ره) : (از حیوانات دریائی جزء برخی ماهیان و پرندگان خورده نمی شود .بنابراین انواع حیوانات دریائی حرام است بنابر اقوی هر چند همانند آنها در خشکی خورده شود.

(توضیح المسائل مراجع- امام خمینی-1390-ج-2ص(590)

و از ماهیان جز آن چه در اصل خلقت دارای فلس و پوست است خورده نمی شود هر چند فلس آن باقی نباشد مثل ماهی کنت(ماهی بداخلاقی که بازدن خود به سنگ و صخره فلس هایش می ریزد) و میگو اربیان یا همان روبیان ازجنس ماهی فلس دار است پس خوردنش جایز است .و ماهی اوزن برون که کارشناسان و محققین و معتمدین اظهار داشتن که فلس دارد خوردنش حلال است) فصل نامه فرهنگ جهاد-1374-ش-2ص(132)

-2-3-2 از نظر فقیهان اهل سنت:

1-حنفیه می گویند خوردن آبزیانی که به شکل ماهی نیستند حلال نیست بنابراین خنزیر واسب دریائی و مانند آن حلال نیست مگر جریث و مارماهی و نیز تمامی انواع ماهی حلال است مگر طافی (ماهی خفه شده در آب که روی آب قرار گرفته در حالیکه پشت به طرف آب و شکم به طرف آسمان است ، خوردن طافی حرام است)

2 -مالکیه : تمامی حیوانات آبزی که در دریا زندگی می کنند حلالند و چیزی از آنها حرام نشده است.

3-شافعیه : همه آبزیان دریائی گر چه به شکل ماهی نباشند حلال است هر چند به شکل خنزیر و آدم باشند و جریث که ماهی است به شکل روباه حلال است و انواع دیگر ماهی ها بجز تمساح حلال هستند

4-حنبلی نیز همانند شافعیه نظر دارند با این تفاوت که مارماهی را حرام گوشت می دانند.

(رحمانی-احکام فقهی-1377-ص135)

-2-4-2 ملاک حلیت و حرمت پرندگان:

-1-2-4-2 فقیهان امامیه نشانه های پرندگان حرام گوشت را در چند چیز دانسته اند:

1-ضعیف (بال نزدن :)از علایم پرندگان حرام گوشت این است که در حال پرواز بال نزدن آنها بیشتر از بال زدن آنها باشند.

(رحمانی-احکام فقهی-1377-ص145)

2-درندگی: نشانه حرام گوشت بودن پرندگان می باشد .البته در اینکه درندگی پرندگان ملاک و معیار حرمت است و یا چنگال و نیش داشتن نظرات متفاوت است

(رحمانی-احکام فقهی-1377-ص146)

کلمات فقیهان شیعی در این جهت مختلف است برخی مثل محقق حلی داشتن چنگال قوی که با آن بر پرندگان دیگر حمله می کنند و برخی مثل علامه حلی پرندگان درنده را حرام گوشت می دانند.

3-نداشتن چینه دان ، سنگدان و خار پشت پا پرندگانی که چینه دان و سنگدان و خارپشت پا که به انگشت ششم (ناخن پشت پا)هیچکدام را نداشته باشد و فاقد این سه امر با همدیگر علامت حرام گوشت بودن پرندگان است.

4-نص خاص :قسم چهارم از پرندگان حرام گوشت پرندگانی هستند که روایات خاصه بر حرمت آنها دلالت دارد .مانند خفاش – طاووس که در روایت ائمه معصومین تصریح به حرام گوشت بودن آنها شده است.

4-نجاستخواری علاوه بر نشانه های چهارگانه که دال بر حرمت ذاتی پرندگان است ممکن است پرندگان حلال گوشت با خوردن مدفوع انسان ، حرام گوشت شوند که این حرمت را بالعرض می نامند و پرندگانی که نجاستخوار شوند آنها را مرغ جلاله می گویند خوردن گوشتشان حرام است مگر اینکه استبراء شوند (زمان معینی آنها را در قرنطینه قرار داده تا نجاست نخورند (مرغ استبراء اش سه شبانه روز و مدت استبراء مرغابی پنج شبانه روز است.

2-2-4-2-2-نظر فقهای اهل سنت

پرندگان اهلی (خورند آنها حلال است بدون اختلاف ولی پرندگان وحشی اختلاف نظر دارند پرندگان وحشی که دارای چنگال است را مشهور فقها از حنفیه ،شافعیه ، ضابله ، ظاهریه، شیعه امامی و قولی از مالکیه و حتی زیدیه آنها را حرام دانسته ولی قولی از مالکیه حتی پرندگان وحشی دارای چنگال را هم حلال گوشت می دانند.
(رحمانی-احکام فقهی-1377-ص157)

2-2-5-2-5-ملاک حلیت و حرمت چهارپایان:

1-2-5-2-2-فقیهان امامیه نشانه های چهارپایان حرام گوشت را در چند چیز میدانند.

1-داشتن نیش، نیش در حیوانات درنده علامت حرمت گوشت آنهاست که امام صادق (ع) فرمودند : هر حیوان درنده ای که دارای نیش است خوردن گوشت آن حرام است) .وسائل شیعه-باب3 از ابواب اطعمه المحرمه-ج16ص388

2-درندگی، ملاک اصلی در حرمت حیوانات چهارپا درندگی است و نیش داشتن علامت درندگی است که رسول خدا (ص) فرمودند از حیوانات درنده هیچ چیز را نخورید) .وسائل شیعه-باب-3 ج9 ص389

3- مسوخ بودن، دسته دیگری از حیوانات مانند بوزینه، فیل، سوسمار، موش، خارچشت و خوک را حرام دانسته اند و به آن ها عنوان مسوخ داده اند لذا هر حیوان چهارپا که مسخ شده باشد حرام گوشت است (رحمانی- احکام فقهی- 1377-ص 169)

4- نص خاص: چهارپایانی که روایات خاصه بر حرمت آنها دلالت می کند. مثل خرگوش، سنجاب، لاک پشت و طاووس
4- نجاستخواری: حیوانی که نجاستخوار شود بالعرض حرام گوشت می شود.

(توضیح المسائل مراجع- امام خمینی- 1390- ج 2 ص 603)

امام خمینی (ره: (از بهائم خشکی که اهلی هستند تمام اقسام گوسفند و گاو و شتر حلال گوشتند و خوردن گوشت اسب، الاغ و قاطر مکروه است و غیر این اقسام از بهایم خشکی اهلی حرامند مانند سگ و گربه و غیر این ها.

(تحریر الوسیله- امام خمینی- ج 2 ص 138)

و از بهایم وحشی آهو، گاو، بزکوهی، گورخر و خر وحشی حلال گوشت هستند و حیوانات درنده از بهایم حرامند و آنها عبارتند از هر حیوان درنده ای که دارای چنگال و نیش قوی باشد مانند شیر، پلنگ، یوزپلنگ، گرگ، یا چنگال و نیش ضعیف داشته باشد مثل روباه، کفتار و شغال و کاشف الغطاء زرافه را از حیوانات حرام گوشت می داند. و شیخ محمد امین زین الدینی کرگدن را حرام گوشت می داند (تحریر الوسیله- امام خمینی- ج 2 ص 138)

2-2-5-2- نظر فقیهان اهل سنت:

انعام از بهایم اهلی که عبارتند از شتر - گاو - گوسفند به اجماع حلالند خوردن گوشت الاغ و قاطر حرام است و خوردن گوشت اسب حلال است ولی از نظر ابی حنفیه کراهت تنزیهی دارد. هم چنین در فقه شافعیه هر حیوانی که متولد از اهلی و وحشی باشد حرام است از باب غلبه دادن جهت حرام، برخلاف نظر فقه حنفیه و ضابله و دیگران که به جهت اباحه را غلبه داده اند. زیرا اباحه اصل است و عمومات نصوص بر آن دلالت دارند.

بهایم وحشی از نظر مشهور فقهای اهل سنت جز مالک خوردن آن ها حرام است

(الفقه الاسلامی وادلته ج 3 ص 682 و 683)

فصل سوم

مقررات ناظر بر صید ذبح در حقوق ایران

3-1 مقررات ناظر بر صید و ذبح در حقوق ایران قبل از انقلاب اسلامی

اولین مصوبه مجلس در مورد صید و ذبح در حقوق ایران مربوط به مصوبه مجلس مورخه 1350/4/16 می باشد که در قانون سازمان دامپزشکی کشور آمده است.

ماده -2 در این قانون کلمه دام به حیوانات اهلی و طیور و ماهی و زنبور عسل و کرم ابریشم ، حیوانات آزمایشگاهی و حیوانات باغ وحش اطلاق می شود و مقصود از کنترل بهداشتی بازرسی و اقداماتی است که از لحاظ پیش گیری و مبارزه با امراض دامی و بیماریهای مشترک بین انسان و دام لازم ضروری می باشد.

ماده -18 بازرسی و معاینه بهداشتی گوشت در کشتارگاههای کشور از وظایف سازمان است و شهرداریها و سازمانهای ذربط مکلفند پرسنل ، بودجه و اعتبار لازم را طبق آیین نامه اجرائی این قانون در اختیار سازمان بگذارند.

آیین نامه اجرایی ماده 18 در مورخه 6/8/1352 تدوین و تصویب شد و ابلاغ گردید.

آیین نامه اجرائی ماده 18

نخست وزیر تصویب وزیران وزارت کشاورزی و منابع طبیعی

هئیت وزیران در جلسه مورخ 1352/8/5 بنابه پیشنهاد شماره ی 26816/460-28055 مورخ 1352/8/5 وزارت کشاورزی و منابع طبیعی به استناد ماده 21 قانون مزبور آیین نامه بازرسی و معاینه بهداشتی گوشت و کشتارگاههای کشور را به شرح پیوست تصویب نمودند .اصل تصویبنامه در دفتر نخست وزیر است.

وزیر مشاور و معاون اجرائی نخست وزیر - هدایتی

آیین نامه بازرسی و معاینه ی بهداشتی گوشت در کشتارگاههای کشور

فصل اول :

ماده -1 در این آیین نامه کلمات کشتارگاه - دام کشتاری - فرآورده های گوشتی -ضمائم لاشه - بازرس بهداشتی و سازمان دارای معانی زیر میباشد:

الف -کشتارگاه - کشتارگاه محوطه ای از عرصه و اعیان است که در آن دامها و طیوری که مصرف غذایی دارند کشتار می شوند و هر گونه تاسیساتی از قبیل آزمایشگاه، سردخانه، دستگاه های تهیه فرآورده های گوشتی تبدیل لاشه و مازاد کشتار

به مواد خوراکی حیوان و یا کود، اصطبلهای انتظار، میدان خرید و فروش دام و سایر تاسیسات و ساختمانهای ضروری که در محوطه مزبور بنا شده و یا خواهد شد از لحاظ این آیین نامه جزء کشتارگاه محسوب می شود.

ب -دام کشتاری – به هر نوع دام و طیور که برای مصرف غذایی انسان کشتار می گردد دام کشتاری اطلاق می شود.

پ -فرآورده های گوشتی -به گوشتهائی که برای حفظ و نگهداری آنها موادی اضافه شده و یا با روشهای صنعتی تغییر شکل داده اند از قبیل گوشتهای نمک سود، پخته شده، انواع کالباس و سوسیس، کنسروها و محصولات مشابه آن فرآورده های گوشتی اطلاق می شود.

ت -ضمائم لاشه – دل، جگر، قلوه، معده، روده ، شش، کله و پاچه ، زبان ، پوست و سایر متضعات درونی مشابه دیگر در لاشه به تنهایی و یا جمعا ضمائ لاشه نامیده می شود.

ث -بازرس بهداشتی – بازرس بهداشتی به شخصی اطلاق می شود که از طرف سازمان دامپزشکی برای انجام خدمات مربوط به بازرسی و معاینه بهداشتی گوشت در کشتارگاه تعیین می گردد.

ج -سازمان – منظور از سازمان، سازمان دامپزشکی کشور است.

فصل دوم -بازرسی و معاینه بهداشتی گوشت

ماده -2 هر نوع دام کشتاری باید در کشتارگاه ذبح شود در غیر این صورت و همچنین در صوتی که گوشت کشف شده ازدام بیمار بدست آمده باشد مرتکبین برابر قوانین مربوط تحت تعقیب قرار گرفته و مجازات خواهند شد.

تبصره یک – در خارج از محدوده شهرها و همچنین در روستاهایی که فاقد کشتارگاه می باشد در صورتی که به تشخیص سازمان کشتارگاههای مجاور نتوانند به آن محلها گوشت برسانند کشتار دام با رعایت دستورهای بهداشتی سازمان برای مصرف اهالی محل مجاز است.

تبصره دو – در روز عید قربان کشتار دام بمنظور قربانی کردن و همچنین در مراسم مذهبی و ملی در خارج از کشتارگاه مجاز است.

ماده -3 در کشتارگاههایی که دارای اصطبل انتظار هستند کلیه دامهای کشتاری باید قبل از کشتار به مدت 24 ساعت در اصطبلهای انتظار نگهداری شوند.

ماده -4 کلیه دامهای کشتاری باید قبل و بعد از کشتار بوسیله بازرسان بهداشتی مورد بازرسی و معاینه لازم، قرار گیرند.

ماده -5 لاشه گوشت و در صورت امکان ضمائم لاشه که در کشتارگاه پس از بازرسی بهداشتی سالم تشخیص داده شود بوسیله ی مهر مخصوص سازمان و با ذکر نام کشتارگاه محل مهر می گردد.

ماده -6 لاشه و گوشت و ضمائم لاشه ناسالم که وسیله بازرسان بهداشتی برای خوراک انسان غیر قابل استفاده تشخیص داده شود زیر نظر بازرسان مزبور ضبط و از مصرف خارج و امحاء می گردد و در صورت امکان خوراک دام و طیور و کود و غیره تبدیل خواهد شد.

ماده -7 کشتار اضطراری در خارج از کشتارگاه در مورد دامهایی که بر اثر تصادف در حال مرگ باشند یا خطرات مالی و جانی برای انسان داشته باشند یا باعث انتشار بیماری بین انسان و دام شوند طبق دستورالعملی که سازمان صادر خواهد کرد بلامانع است ولی در صورتی که گوشت آنها به مصرف تغذیه ی عمومی می رسد باید لاشه ی این قبیل دامها بدون فوت وقت به کشتارگاه حمل و پس از این که مورد بازرسی بهداشتی قرار گرفت در صورت سالم بودن به مهر مخصوص سازمان ممهور شود، درباره گوشتهای شکار نیز که به مصرف فروش می رسد به همین نحو عمل خواهد شد.

ماده -8 دامهاییکه برای فروش یا کشتار در شهرها عرضه می شوند، باید در میادین دام و اصطبلها نگهداری شوند، گرداندن دامها در شهرها به منظور فروش و غیره ممنوع است.

ماده -9 حمل گوشت از کشتارگاه یا سردخانه بدون رعایت دستورهای بهداشتی و بسته بندی و لفاف به مراکز توزیع و فروش ممنوع است مگر در مواردی که بنا به اقتضاء حمل گوشت را سازمان بدون بسته بندی و لفاف مجاز تشخیص دهد.

ماده -10 کشتار میش و گاو و گاومیش آبستن ممنوع و همچنین کشتار گوساله و بره ماده در کشتارگاه موکول به اجازه بازرسان بهداشتی وزارت کشاورزی و منابع طبیعی خواهد بود.

ماده -11 مسیر و ترتیب حمل و نقل و ذبح دامهای کشتاری که از خارج وارد کشور می شوند وسیله سازمان تعیین می شوند.

ماده -12 گوشتهاییکه با رعایت مقررات قانونی موجود از خارج به کشور وارد می شود (اعم از گوشت دام، طیور و آبزیان) قبل از توزیع برای مصرف باید بوسیله سازمان مورد بازرسی بهداشتی قرار گیرد.

ماده -13 کارکنان کشتارگاه باید بوسیله پزشک معتمد کشتارگاه یا بهداری محل در فواصلی که از طرف سازمان تعیین می شود معاینه و برای آنها کارت بهداشتی صادر گردد .سازمان مکلف است از ادامه کار افراد بیمار در کشتارگاه تا بهبودی کامل آنان جلوگیری نماید.

ماده -14 صاحبان یا مسئولان کشتارگاهها حسب مورد مکلفند به محض درخواست سازمان کلیه امور بهداشتی کشتارگاه مربوط را ظرف مدت یکماه در اختیار سازمان قرار دهند.

تبصره -دستورالعمل های مربوط به امور بهداشتی کشتارگاهها از طرف سازمان تهیه و به کشتارگاهها ابلاغ میشود و صاحبان و مسئولان کشتارگاهها موظف به رعایت آنها می باشند.

فصل سوم – تاسیس کشتارگاه

ماده -15 ایجاد کشتارگاه توسط بخش خصوصی یا شهرداریها یا سازمانهای دولتی و یا وابسته به دولت مستلزم کسب پروانه از سازمان است و سازمان به ترتیبی که وزرات کشاورزی و منابع طبیعی تعیین می نماید پروانه لازم را صادر خواهد نمود .در محدوده ی قانونی شهرها و حریم آن صدور پروانه ایجاد کشتارگاه با موافقت شهرداری از لحاظ رعایت اصول شهرسازی خواهد بود.

تبصره یک :صاحبان و مسئولین کشتارگاههایی که قبلا تاسیس شده اند موظفند ظرف مدت شش ماه نسبت به اخذ پروانه اقدام نمایند.

تبصره دو :سازمانها و موسسات تهیه و توزیع کننده گوشت و فرآورده های گوشتی اعم از خصوصی یا دولتی وابسته به دولت که با رعایت مقررات قانونی موجود در این آیین نامه تاسیس شده یا می شوند، مکلفند طبق ضوابطی که از طرف سازمان تهیه و به تصویب وزارت کشاورزی و منابع طبیعی می رسد نسبت به ایجاد کارگاه های برش و بسته بندی گوشت و فرآورده های گوشتی در مدتی که از طرف سازمان تعیین و ابلاغ می شود اقدام نمایند.

ماده -16 هر نوع تعمیرات یا تغییراتی که برای اصلاح و بهبود وضع بهداشتی کشتارگاه از طرف سازمان ضروری اعلام شود، باید در اسرع وقت وسیله صاحبان یا مسئولان کشتارگاه انجام گردد.

فصل چهارم -امور مالی و اداری

ماده -17 از تاریخ تصویب این آیین نامه شهرداریها و سازمانهای ذیربط موظفند در صورت احتیاج سازمان پرسنلی را که در کشتارگاهها وظایف مربوط به امور بهداشتی را انجام م ی دهند بعنوان مامور در اختیار سازمان دامپزشکی قرار دهند .حقوق و مزایای این مامورین فقط با صدور گواهی سازمان دامپزشکی یا ادارات دامپزشکی محل از طرف شهرداریها و سازمانهای ذیربط قابل پرداخت است.

تبصره – کلیه وسایل آزمایشگاهی کشتارگاههای شهرداریها و سازمان های ذیربط در اختیار سازمان گذارده می شود.

ماده -18 در کشتارگاههای دولتی و وابسته به دولت و شهرداریها، ریاست کشتارگاه منحصرأ بعهدده دکتر دامپزشک یا کارشناس تغذیه و بهداشت مواد غذایی یا بازرسی بهداشتی گوشتی است، ولی امور بهداشتی مستقیما زیر نظر بازرس بهداشتی که از طرف سازمان تعیین می گردد اداره خواهد شد.

ماده -19 هر گاه صاحبان یا مسئولان کشتارگاه حسب مورد در مهلتی که کتبا سازمان ابلاغ می کند از انجام دستورات مربوط به امور بهداشتی خودداری نمایند یا به نحوی از انحاء مانع اجرای هر یک از مواد این آیین نامه بشوند، طبق مواد 4 و 12 قانون سازمان دامپزشکی کشور از ادامه ی کار آن کشتارگاه جلوگیری خواهد شد.

تبصره - هرگاه در کشتارگاههای دولتی یا متعلق به شهرداریها تخلفات مذکور در این ماده بروز کند، بنا به تقاضای رئیس دامپزشکی شهرستان یا مسئول امور بازرسی بهداشتی کشتارگاه کمیسیونی برای رسیدگی به موضوع با شرکت شهردار، رئیس بهداری، رئیس کشاورزی، رئیس دامپزشکی و بازرس بهداشتی کشتارگاه یک نفر کارشناس امور کشتارگاه که از طرف سازمان اعزام خواهد شد زیر نظر فرماندار در فرمانداری تشکیل می شود. تصمیماتی که از طرف اکثریت اعضاء این کمیسیون اتخاذ می گردد لازم الاجراء است در صورتی که از انجام مصوبات کمیسیون مزوربر در مهلتی که تعیین شده است خودداری گردد، مفاد این ماده اجراء خواهد شد.

در مواردی که به تشخیص کمیسیون مذکور شهرداری محل قادر به سرمایه گذاری و سالم سازی کشتارگاه نباشد و ادامه کار کشتارگاه از نظر تامین حوائج عمومی اجتناب ناپذیر باشد، سازمان گوشت کشور می تواند کشتارگاه را بطور امانی تحویل گرفته و با استفاده از اعتبارات دولتی در سالم سازی و رفع معایب و نواقص کشتارگاه اقدام و سپس به بهره برداری اقدام نماید.

ماده -20 اجرای قانون در هر محل موکول به صدور آگهی با تعیین مهلت مناسب از طرف وزارت کشاورزی و منابع طبیعی خواهد بود.

ماده -21 کلیه تصویب نامه ها و آیین نامه های مصوب هیات وزیران در آن قسمت که مغایر با مفاد این تصویب نامه باشد از تاریخ تصویب این آیین نامه ملغی است.

2-3 قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب(1375/3/2)

ماده -679 هر کس به عمد و بدون ضرورت حیوان حلال گوشت متعلق به دیگری یا حیواناتی که شکار آنها توسط دولت ممنوع اعلام شده است را بکشد یا مسموم یا تلف یا ناقص کند به حبس از نود و یک روز تا شش ماه یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا سه میلیون ریال محکوم خواهد شد.

ماده -680 هر کس برخلاف مقررات و بدون مجوز قانونی اقدام به شکار یا صید حیوانات و جانوران وحشی حفاظت شده نماید به حبس از سه ماه تا سه سال و یا جزای نقدی از یک و نیم میلیون ریال تا هیجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.

ماده - 688 هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده ، دفع غیر بهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید ، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه ها، زباله در خیابانها و کشتار غیر مجاز دام، استفاده غیر مجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه خانه های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می باشد و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد.

تبصره -1 تشخیص اینکه اقدام مزبور تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست شناخته می شود و نیز غیر مجاز بودن کشتار دام و دفع فضولات دامی و همچنین اعلام جرم مذکور حسب مورد بر عهده وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی، سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان دامپزشکی خواهد بود).اصلاحی مصوب(1376/5/8

تبصره -2 منظور از آلودگی محیط زیست عبارتست از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را بطوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد.

3-3 قانون جامع نظارت شرعی بر ذبح و صید (مصوب 1387/12/14)

1-3-3 با تلاش و پیگیریهای نماینده ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی و مسئول حوزه نمایندگی ولی فقیه و مسئولان دفاتر نمایندگی ولی فقیه در سازمان دامپزشکی کشور با توجه به ضرورت تدوین قانون جامع نظارت شرعی بر صید و ذبح منجر به ارائه طرحی در کمیسیون تحقیق مجلس شورای اسلامی شد و نهایتاً در مورخه 1387/12/14 قانون نظارت شرعی بر ذبح و صید در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و در مورخه 1387/12/26 به تایید شورای نگهبان رسید و در مورخه 1388/1/23 جهت اجراء ابلاغ گردیده است و آیین نامه اجرائی قانون یاد شده توسط وزارت جهاد کشاورزی پیشنهاد داده شد و در جلسه هیئت دولت مصوب و در مورخه 1388/12/27 جهت اجراء ابلاغ گردید.

تنها ایرادی که رئیس مجلس شورای اسلامی به آیین نامه اجرائی قانون ذبح و صید گرفته تبصره ماده 11 بود که در جلسه هیئت دولت اصلاح گردید و در مورخه 1389/9/13 جهت اجراء ابلاغ گردیده است.

حوزه نمایندگی ولی فقیه در سازمان دامپزشکی کشور باستناد ماده 3 آیین نامه اجرائی قانون نظارت شرعی به ذبح و صید و تبصره 4 ماده 2 آن دستورالعمل های لازم را تدوین و ابلاغ نموده است.

از جمله این دستورالعمل ها عبارتند از:

1 -دستورالعمل اجرائی و نظارتی بر ذبح شرعی در کشتارگاههای دام و طیور

2 -دستورالعمل اجرائی مربوط به حقوق و مزایای ناظرین شرعی

3 -دستورالعمل نظارتی مربوط به شکارگراز و استحصال گوشت آن (ویژه اقلیت دینی)

4 -دستورالعمل نظارتی به جمع آوری اجزای حرام از حیوان حلال گوشت برای منابع محله

اصل قانون نظارت شرعی بر ذبح و صید و آیین نامه اجرائی و اصلاحیه آن عبارتند از...

در اجراء اصل یکصد و بیست و سوم (123) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون نظارت شرعی بر ذبح و صید که با عنوان طرح به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود با تصویب در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخه 1387/12/14 وتائید شورای محترم نگهبان به پیوست ابلاغ می گردد.

رئیس مجلس شورای اسلامی

علی لاریجانی

-2-3-3 قانون نظارت شرعی بر ذبح و صید:

فصل اول - کلیات

ماده 1- اهداف

الف - انطباق ذبح و صید حیوانات، پرندگان و آبزیان با موازین شرعی

ب - توسعه فرهنگ تولید غذای پاک، تقویت اعتماد امت اسلامی و کسب جایگاه تولید گوشت حلال در جهان توسط جمهوری اسلامی ایران

ج - نهادینه کردن فرآیندهای دینی در ذبح و صید دام، پرندگان و آبزیان حلال گوشت در سطح دستگاهها و نهادهای دولتی و غیر دولتی ذی ربط

د - توسعه فعالیتهای تجاری و اقتصادی از طریق تولید محصولات حلال گوشت و بهداشتی در کشورهای اسلامی

هـ - تقویت نظام پاسداشت حقوق حیوانات حلال گوشت در جمهوری اسلامی ایران

ماده 2 - تعاریف

نظارت شرعی - فرآیندی است که بر اساس آن ذبح و صید کلیه حیوانات، پرندگان و آبزیان حلال گوشت توسط ناظران شرعی در مراکز کشتار و صیادی نظارت شده، تا مصرف ذبیحه و صید بر اساس احکام اسلامی حلیت پیدا کند.

ناظر شرعی - به مسلمانی که آگاهی کامل بر موضوع حلال و حرام ذبح دام، پرندگان و صید آبزیان را دارد گفته می شود.

ذابح - به مسلمانی گفته می شود که شرایط لازم برای ذبح شرعی را داشته باشد.

صیاد - به فردی گفته می شود که دارای شرایط لازم برای صید طبق موازین اسلامی باشد.

صید شرعی - به روشهایی اطلاق می گردد که حیوانات، پرندگان و آبزیان حلال گوشت طبق موازین اسلامی صید می شوند.

نحر - فرو بردن کارد و همانند آن از آلات تیز آهنی در محل فرو رفتگی میان گردن و سینه شتر

فصل دوم - ساماندهی امور مربوط به ذبح و صید شرعی

ماده -3 وزارت جهاد کشاورزی موظف است با استفاده از نیروها، امکانات و ظرفیتهای موجود، بر اساس ماموریتهای محوله و حیطه جغرافیایی، امکان اعمال نظارت بر ذبح شرعی را توسط حوزه نمایندگی ولی فقیه در سازمان دامپزشکی کشور فراهم نماید.

ماده -4 کلیه کشتارگاهها و مراکز صیادی و مراکز عمل آوری و فرآوری مواد پروتئینی (مراکز بزرگ و کارخانجات) موظف به، به کارگیری ناظر شرعی بر اساس مفاد این قانون می باشند.

ماده -5 دولت موظف است اعتبارات مورد نیاز این قانون را از محل عوارض دریافتی از کشتار دام و طیور در کشتارگاههای کشور تامین و در ردیف خاصی همه ساله در بودجه سالانه منظور نماید.

ماده -6 موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران موظف است به کمک دستگاههای مسئول نظارت بهداشتی بر مواد غذایی، ضوابط و مقررات مربوط به استاندارد غذای حلال را به منظور تسهیل در امر نظارت شرعی فراهم نماید.

ماده -7 حوزه نمایندگی ولی فقیه در سازمان دامپزشکی با اذن مقام معظم رهبری برای اجراء دقیق این قانون موظف به انجام اقدامات زیر است:

الف-آموزش و تعیین صلاحیت ووظائف و به کارگیری ناظران شرعی و ارزیابی عملکرد آنان در دوره زمانی

ب-تعیین صلاحیت ذابحین و صیادان و ارتقای سطح آموزشی مرتبط باوظائف آنان

ج-تعیین ضوابط مربوط به نحوه استفاده حلال از اجزای حیوانات حرام گوشت و منافع محله اجزای حرام حیوانات حلال گوشت و آبزیان حرام وفق فتاوی مقام معظم رهبری و مراجع عظام تقلید و فقه اهل سنت) در جاهائی که طبق قانون باید فقه اهل سنت رعایت شود (برای داخل و خارج از کشور

ماده -8 ناظران شرعی در حکم ضابطین قضائی محسوب گردیده و موظفند از موارد خلاف شرع موضوع این قانون جلوگیری نموده و مراتب را جهت رسیدگی به مراجع صالح قضائی از طریق دفاتر نمایندگی ولی فقیه در سازمان دامپزشکی با اذن مقام معظم رهبری ابلاغ و اجراء نمایند.

ماده -9 عدم رعایت مقررات مربوط به اصول ذبح و صید شرعی از سوی اشخاص حقیقی و یا حقوقی موضوع این قانون، جرم محسوب شده و مرتکب یا مرتکبین به تقصیر با حکم مرجع قضائی، ضمن جبران خسارات وارده، به جزای نقدی پنج درصد (5%) تا ده درصد (10%) خسارت وارده محکوم و در صورت تکرار برای بار دوم، از ادامه اشتغال در کشتارگاهها و یا واحدهای صنعتی مرتبط آنان جلوگیری به عمل می آید.

ماده -10 کلیه دستگاهها و نهادهای مرتبط با امور ذبح و صید اعم از دولتی و بخش خصوصی و تعاونی موظف به رعایت مفاد این قانون می باشند.

ماده -11 وزارت جهاد کشاورزی، سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظفند جهت فرهنگ سازی فعالیتهای حوزه نظارت حلیت غذا و تبیین آثار فرهنگی تولید و مصرف غذایی حلال، اقدامات بایسته به عمل آورند.

ماده -12 آیین نامه اجرائی این قانون حداکثر پس از سه ماه توسط وزارت جهاد کشاورزی تهیه و به تصویب هیات وزیران می رسد.

قانون فوق مشتمل بر دوازده ماده و یک تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ چهاردهم اسفند ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ 1387/12/26 به تایید شورای نگهبان رسید.

علی لاریجانی

-3-3-3 آیین نامه اجرایی قانون صید و ذبح:

بسمه تعالی

با صلوات بر محمد و آل محمد

وزارت جهاد کشاورزی

هیئت وزیران در جلسه مورخ 27/10/1388 بنا به پیشنهاد شماره 30097/020 مورخ 3/9/1388 وزارت جهاد کشاورزی و به استناد ماده (12) قانون نظارت شرعی بر ذبح و صید مصوب 1387 آیین اجرایی قانون یاد شده را به شرح زیر موافقت نمود:

-1-3-3-3 آیین نامه اجرایی قانون نظارت شرعی بر ذبح و صید:

ماده -1 اصطلاحات مندرج در این آیین نامه در معانی مشروح زیر به کار می روند:

الف -قانون نظارت شرعی بر ذبح و صید – مصوب 1387

ب -نماینده ولی فقیه :نماینده مقام معظم رهبری در وزارت جهاد کشاورزی

ج -حوزه نمایندگی :حوزه نمایندگی ولی فقیه در سازمان دامپزشکی کشور

د -دفاتر نمایندگی :دفاتر نمایندگی ولی فقیه در ادارات کل دامپزشکی استان

هـ -حیوانات حلال گوشت :حیوانات اهلی و وحشی که مصرف گوشت آنها توسط شارع مقدس مجاز و مستلزم ذبح شرعی آنها باشد.

و -حیوانات حرام گوشت :حیوانات اهلی و وحشی که مصرف گوشت آنها توسط شارع مقدس منع شده است.

ز -پرندگان حلال گوشت :پرندگان اهلی و وحشی که مصرف آنها توسط شارع مقدس مجاز و مستلزم شکار با ذبح شرعی آنها باشد.

ح -پرندگان حرام گوشت : پرندگان اهلی و وحشی که مصرف آنها توسط شارع مقدس منع شده باشد.

ط -آبزیان حلال گوشت : آبزیانی که مصرف گوشت آنها توسط شارع مقدس مجاز و مستلزم صید شرعی آنها باشد

ی -آبزیان حرام گوشت :آبزیانی که مصرف گوشت آنها توسط شارع مقدس منع شده باشد.

ک -منافع محلله :مجموع منفعت های حلال حیوانات حرام گوشت و اجزای حرام حیوانات حلال گوشت و آبزیان حرام گوشت.

تبصره – سایر اصطلاحات مندرج در آیین نامه به شرح تعاریف ذکر شده در ماده (2) قانون به کار برده می شوند.

ماده -2 وزارت جهاد کشاورزی موظف است بر اساس پیشنهاد نماینده ولی فقیه و با هماهنگی و همکاری معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی، رئیس جمهور با استفاده از امکانات ، نیروها و ظرفیتهای موجود امکان اعمال نظارت بر ذبح شرعی را توسط حوزه نمایندگی در سازمان دامپزشکی کشور فراهم نماید.

ماده -3 حوزه نمایندگی موظف است ضوابط مربوط به نحوه استفاده ازمنافع محلله را (برای اعمال در داخل و خارج از کشور (وفق فتاوی مقام معظم رهبری و مراجع عظام تقلید و فقه اهل سنت) در مناطقی که طبق قانون باید فقه اهل سنت رعایت گردد (و نیز وظایف ناظران شرعی را بر اساس دیدگاههای فقهی مقام معظم رهبری و مراجع تقلید ابلاغ نماید.

تبصره – 1در موارد شئون حکومتی، ملاک، فتوای رهبر معظم انقلاب اسلامی می باشد.

تبصره -2 سایر وظایف حوزه نمایندگی به شرح مقرر در ماده (7) قانون می باشد و حوزه نمایندگی موظف به ابلاغ ضوابط و دستورالعملهای لازم در این زمینه ظرف شش ماه پس از ابلاغ این آیین نامه می باشد.

ماده -4 موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران در تدوین ضوابط و مقررات مربوط به استاندارد غذای حلال و اعطای نشان حلال مرتبط به این قانون موظف به اخذ نظر نماینده ولی فقیه می باشد.

ماده -5 دفتر نمایندگی موظف است در صورت احراز حرمت در ذبح و صید حیوانات، پرندگان و آبزیان و عمل آوری و فرآوری مواد پروتئینی با هماهنگی اداره کل دامپزشکی استان از طریق شبکه دامپزشکی محل ، طبق ضوابط و دستورالعمل های مربوط، در صورت عدم امکان استفاده از منافع محلله نسبت به معدوم سازی اقدام نماید.

ماده -6 شرایط ناظران شرعی در واحدهای مندرج در قانون به شرح زیر است:

1 -تخصص و آشنایی لازم در زمینه مسائل شرعی و احکام فقهی

2 -ارائه گواهی عدم سوء پیشینه کیفری موثر

3 -برخورداری از سلامت و توان جسمی و روانی برای انجام وظایف محول شده

ماده -7 دفتر نماینده ولی فقیه دارای وظایف زیر می باشد:

الف -برنامه ریزی برای تحقق اهداف مندرج در ماده (1) قانون در داخل و خارج از کشور و نظارت بر آن

ب -هماهنگی و همکاری با دستگاههای ذی ربط به منظور حسن اجرای قانون

ج -تصویب ضوابط و دستورالعملهای لازم در زمینه نظارت شرعی بر ذبح و صید به استثنای ضوابط موضوع ماده (7) قانون با رعایت قوانین و مقررات مربوط

ماده -8 دفاتر نمایندگی موظفند با اعمال نظارتهای لازم از به کارگیری ناظران شرعی در کشتارگاهها، صیدگاهها، شناورهای صیادی، اسکله ها و بنادر ماهیگیری، کارگاهها، کارخانه ها و مراکز تولید، عمل آوری و فرآوری مواد پروتئینی مبادی ورودی و خروجی رسمی کشور اطمینان حاصل نمایند.

ماده -9 اشخاص حقیقی و حقوقی که در امور استحصال، تهیه، عمل آوری، جمع آوری، نگهداری، بسته بندی، توزیع و عرضه مواد پروتئینی فعالیت می کنند، موظف به اجرای ضوابط شرعی موضوع آیین نامه و دستورالعملهای مربوط خواهند بود.

ماده -10 دستگاههای صادر کننده پروانه های تاسیس و بهره برداری کشتارگاههای دام و طیور و نیز مراکز صیادی موظفند حکم انتصاب ناظر شرعی صادر شده از سوی حوزه نمایندگی را از اشخاص متقاضی پروانه تاسیس و بهره برداری مطالبه نمایند.

ماده -11 واحدهای مشمول قانون و این آییننامه) به تشخیص و اعلام حوزه نمایندگی (موظفند نسبت به بکارگیری ناظران شرعی اقدام نمایند.

تبصره – صاحبان واحدهای مشمول قانون و این آیین نامه موظفند حقوق و مزایای ناظر شرعی را بر اساس قانون کار و دستورالعمل ابلاغی از سوی نماینده ولی فقیه پرداخت نمایند.

ماده -12 به منظور تحقق اهداف ذیل، کار گروه هماهنگی با مسئولیت نماینده ولی فقیه و یا عضویت نماینده ولی فقیه در سازمان پزشکی و نیز نمایندگی تام الاختیار وزارتخانه های فرهنگ و ارشاد اسلامی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ، سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران تشکیل می گردد:

الف -فرهنگ سازی فعالیتهای حوزه نظارت بر حلیت غذا ب -معرفی غذای حلال و تسهیل در اجرای فعالیتهای

نظارت شرعی ج -تبیین آثار فرهنگی و بهداشتی تولید و مصرف غذای حلال

-2-3-3 تصویب نامه هیئت وزیران:

بسمه تعالی

با صلوات بر محمد و آل محمد

وزارت جهاد کشاورزی

هیئت وزیران در جلسه مورخ 23/8/389 با توجه به نظر رئیس مجلس شورای اسلامی موضوع نامه شماره 39250 حساب مورخ 16/6/1389 تصویب نمود.

تبصره ماده (11) آیین نامه اجرایی قانون نظارت شرعی بر ذبح و صید موضوع تصمیم نامه شماره 262750/43778 مورخ 27/12/1388 ، به شرح زیر اصلاح می گردد:

تبصره – حقوق و مزایای ناظران شرعی از محل اعتبارات موضوع ماده (5) قانون، تامین و از طریق واحد و مراکز موضوع ماده (4) قانون، در چارچوب قرارداد قانون کار و دستورالعمل ابلاغی از سوی نماینده ولی فقیه پرداخت خواهد شد.

محمد رضا رحیمی

معاون اول رئیس جمهور

فصل چهارم

مقررات ناظر بر صید و ذبح در فقه اسلام

4-مقررات ناظر بر صید و ذبح در فقه اسلام:

4-1-مقررات ناظر بر صید و ذبح در فقه اسلام(امامیه)(شیعه):

روشهای تذکيه و حليت حيوانات حلال گوشت در فقه اماميه:

4-1-1-ذبح اسلامي

به عمل قطع کامل چهار رگ اصلی گردن حیوان (نای - مری - دو ورید و شاهرگ خونی اصلی گردن)از پایین برآمدگی (جوزه که محل اتصال نای و مری است)که بایستی بعد از ذبح بطرف سر حیوان قرار گیرد و چسبیده باشد به سر حیوان با رعایت شرایط پنجگانه ذیل

(امام خمینی-توضیح المسائل مراجع-1390-ج-2ص573)

1-ذایح) کسی که سر حیوان را می برد و اوداج اربعه را قطع می کند (فرد مسلمانی باید باشد اعم از اینکه زن یا مرد و حتی بچه ممیز مسلمان) بچه ائی که با مسائل و ضوابط شرعی ذبح اسلامی آشناست و توان و قدرت عمل ذبح را هم دارد)

(امام خمینی-توضیح المسائل مراجع-1390-ج-2ص573)

تبصره « ذبیحه کلیه فرق اسلامی حلال می باشد»

2 -چاقو وسیله قطع اوداج اربعه باید از جنس آهن (حدید)باشد ولی در صورتیکه آهن پیدا نشود و حیوان رو به موت باشد با هر شیء تیزی چهار رگ گردن حیوان را ببرند مثل شیشه یا سنگ تیز و ... اشکال ندارد.

(امام خمینی-توضیح المسائل مراجع-1390-ج-2ص573)

در ذبح میزان صدق عرفی آهن است چنانچه عرفاً صدق کند که با آهن ذبح واقع شده کافی است. لذا ذبح با چاقو از جنس آلیاژ استیل که نوعی فولاد آبدیده شده است مانعی ندارد. نظر حضرت امام خمینی(ره) : (ذبح باید با آهن باشد در حال اختیار

نظر مقام معظم رهبری :استیل آهن است و در ذبح کافی است

3-مقادیم بدن حیوان (جلوی بدن حیوان (و مذبح) محل ذبح (باید در حین ذبح رو بقبله باشد

کسی که می داند باید حیوان را رو بقبله سر برید اگر عمدا حیوان را رو به قبله نکند واستقبال را رعایت نکند و سر ببرد گوشت آن حیوان حرام و میتة می گردد. و اگر فراموش کند و یا مسئله را نداند و یا قبله را اشتباه کند و یا اصلا قبله را نمی داند کدام طرف است و یا نتواند حیوان را رو بقبله کند اشکال ندارد. انحراف از قبله اگر از نظر عرف خارج از جهت قبله محسوب شود باعث حرمت ذبیحه و میتة و مردار شدنش می شود رو بقبله بودن ذابح در حین ذبح واجب نیست و اگر بشود مستحب است

(امام خمینی-توضیح المسائل مراجع-1390-ج-2ص573)

4 -در هنگام قطع چهار رگ گردن حیوان، ذابح باید نام خدا (بسم الله (را به نیت سربری به زبان جاری نماید

لذا اگر بدون قصد سر بریدن نام خدا را بگوید تذکیر شرعی تحقق نمی یابد ولی اگر از روی فراموشی بسم الله را نگوید لاشه مردار نمی شود. تسمیه توسط ضبط صوت کافی نیست بلکه ذکر بسم الله باید از زبان ذابح جاری شود و ذکر و نیت قلبی به تنهایی کافی نیست واجب است ذکر بسم الله بر زبان ذابح جاری شود در کشتارگاههای صنعتی طیور برای قطع چهار رگ گردن باید) واجب است (برای ذبح هر مرغی یک بسم الله بر زبان جاری شود و اتصال بسم الله با اتصال ذبح بایستی باشد.

(امام خمینی-توضیح المسائل مراجع-1390-ج-2ص573)

5 -بعد از ذبح حیوان باید حرکتی بکند گرچه اندک باشد مثلاً حداقل پلک چشم حیوان تکانی بخورد

و یا دست و پا بزند و یا خون با جهش و بصورت فواره از رگ های بریده شده شود که مشخص شود حیوان در حین ذبح زنده بوده و جان داشته است لذا اگر حیوان بعد از ذبح حداقل پلک نزند و تکانی نخورد و خون با فواره از رگهای بریده شده جدا نشود حیوان مردار و میتة محسوب می شود.

(امام خمینی-توضیح المسائل مراجع-1390-ج-2ص(573

در کشتارگاههای صنعتی چنانچه از شوک الکتریکی و یا تپانچه جهت کم تحرکی حیوان استفاده می کنند نایستی باعث مرگ حیوان شود و اگر حیوان در حین ذبح توسط ذابح زنده باشد و آثار حیات بعد از ذبح و یا حین ذبح مشاهده شود آن ذبیحه حلال و محکوم به حلیت است و الا اگر ذبح بر حیوان مرده واقع گردد آن حیوان علاوه بر اینکه مردار شده نجس هم می باشد و غیر قابل مصرف خوراکی انسانی است.

و اگر بعد از ذبح جهت بیرون کردن خون اضافی به حیوان شوک دهنده و یا چاقو به قلب حیوان بزنند موجب حرمت ذبیحه نمی شود ولی بهتر است بعد از جان دادن حیوان باشد.

-2-1-1-4 حیواناتی که بواسطه ذبح اسلامی تذکيه می شوند عبارتند از:

1 -حیوانات حلال گوشت اهلی که دارای نفس سائله هستند که شامل گوسفند و گاو و بز و مرغ و اردک ، غاز و امثالهم

2 -حیوانات وحشی حلال گوشت که اهلی شده اند ویا حیوانات حلال گوشتی که وحشی بوده اگر بعد از شکار توسط تفنگ و امثالهم شکارچی زمانیکه به شکارش رسید حیوان حلال گوشت وحشی زحمی شده و زنده بود و شکارچی باندازه ذبح وقت داشته باید آنرا ذبح اسلامی نموده و الا اگر شکارچی وقت باندازه ذبح داشت و تعلل کند و رهايش کند و خودش بمیرد آن شکار مردار و میتة محسوب می شود و خوردن گوشت اش حرام می باشد چرا که ذبح اسلامی نکرده است

(امام خمینی-توضیح المسائل مراجع-1390-ج-2ص(569

3 -حیوانات حرام گوشت (باستثنای حیوانات نجس العین مثل سگ و خوک) بواسطه ذبح پاک می شوند ولی خوردن گوشتشان همچنان حرام است .

(امام خمینی-توضیح المسائل مراجع-1390-ج-2ص(570

4 -بچه حیوان حلال گوشت که بعد از ذبح مادر اگر بچه زنده از شکم مادر خارج باشد بواسطه ذبح اسلامی حلال و پاک می گردد.

-3-1-1-4 مستحبات ذبح اسلامی:

- 1- در موقع بریدن سر گوسفند دو دست و یک پای آنرا بستن و پای دیگرش را باز گذاشتن
 - 2- در موقع بریدن سر گاو چهار دست و پا (دو دست و دو پای (آنرا بستن
 - 3- در موقع تذکيه شتر (نحر شتر (دو دست آنرا تا زانو به زیر بغل آن به یکدیگر بستن
 - 4- کسی که دارد حیوان را ذبح یا نحر می کند (خودش هم رو بقبله باشد
 - 5- قبل از کشتن حیوان آب جلوییش بگذارید.
 - 6- هر کاری که موجب شود حیوان کمتر اذیت شود مثلاً کارد و چاقو خوب تیز باشد و با عجله سر حیوان را ببرد.
- (امام خمینی-توضیح المسائل مراجع-1390-ج-2-ص580)

-4-1-1-4 مکروهات ذبح اسلامی:

- 1- کارد را از پشت حلقوم فرو کردن و به طرف جلو بیاورند و حلقوم را از پشت سر ببرند
 - 2- جائی حیوان را ذبح نمایند که حیوان دیگر آنرا ببیند
 - 3- حیوانی را که خودش پرورش داده است را کشتن
 - 4- در شب یا پیش از ظهر روز جمعه سر حیوان را بریدن مگر در زمان احتیاج
 - 5- احتیاط آنست قبل از بیرون رفتن روح از بدن حیوان ذبح شده پوست حیوان را جدا کردن مکروه است و مغز حرام که در میان تیره پشت است را بریدن
 - 6- حرام است پیش از بیرون رفتن روح از بدن حیوان سر حیوان ذبح شده را جدا کردن البته با این کار و عمل گوشتش حرام نمی شود ولی فعل حرام و گناه محسوب می شود.
- (امام خمینی-توضیح المسائل مراجع-1390-ج-2-ص580)

-5-1-1-4 قطعات حرام حیوان حلال گوشت بعد از ذبح) پانزده قطعه حرام است:)

1 -زرد پی (در دو طرف ستون فقرات است)

2 -مغز حرام که در میان تیره پشت است (نخاع)

3 -حدقه چشم

4 -نخودی انتهای مغز

5 -نری

6 -فرج

7 -دنبلان (بیضه)

8 -ذات الاشاجع (غده میان سم گوسفند)

9 -خون

10 -فضله

11 -بچه دان و بنا بر احتیاط واجب جفت

12 -مثانه (بول دان)

13 -زهره دان (کیسه صفراء)

14 -غدد (دشول)

15 -طحال (سپرز)

(امام خمینی-توضیح المسائل مراجع-1390-ج-2-ص580)

-6-1-1-4 مسائل متفرقه ذبح اسلامی:

حیوانات وحشی که اهلی شده باشند و یا حیوانات وحشی که بعد از شکار توسط شکارچی وقتیکه شکارچی آنرا پیدا کند و زنده باشد ووباندازه ذبح شکارچی وقت داشته باشد فقط با ذبح اسلامی که شرح آن گذشت تذکيه می گردد و اگر شکارچی تعلل کند و یا عمدا چهاررگ گردن شکارش را قطع نکند لاشه آن حیوان شکار شده میته و مردار و نجس است.

(امام خمینی-توضیح المسائل مراجع-1390-ج-2ص(582)

حیوانات حرام گوشت غیر نجس العین نیز بواسطه ذبح تذکيه می گردند البته فقط گوشت و پوستشان برای مصارف غیر خوراکی پاک می گردد گرچه خوردن گوشتشان باز هم حرام است.

-7-1-1-4 حیواناتی که ذبح گردیدن و بچه در شکم داشتن:

اگر زنده از شکم حیوان ذبح شده خارج شده باشد می بایستی ذبح اسلامی شود و الا مردار و میته می باشد -جنین حیوان اگر از شکم حیوان تذکيه شده مرده بیرون آمده باشد خوردنش حلال و تذکيه اش به تذکيه مادرش محقق می گردد بشرط اینکه تام الاجزاء (تام الخلفه)باشد مو و کرک در آورده باشد و مرگش مستند به ذبح مادرش باشد و گر نه میته و مردار محسوب می شود.

(امام خمینی-توضیح المسائل مراجع-1390-ج-2ص(586)

:-2-1-4 صید آبزیان:

1-2-1-4 آبزیان حلال گوشت که شامل ماهیان فلس دار و میگو و امثالهم می باشد بواسطه صید شرعی تذکيه می گردند.

تنها شرط صید که موجب حلیت گوشت آبزیان ماکول لحم (حلال گوشت) می گردد این است که زنده از آب صید شود و بیرون آب جان داده باشد .لذا اگر داخل آب و یا تور ماهیگیری و داخل آب بمیرد مردار و میتة محسوب می شود البته به جهت اینکه نفس سائله خون جهنده ندارد (پاک است ولی خوردنش حرام است.

(امام خمینی-توضیح المسائل مراجع-1390-ج-2-ص590)

2-1-2-4 ماهیانی که بواسطه موج و یا جزر و مد از آب بیرون افتاده باشند و قبل از اینکه بی جان شود و بمیرد در زمانیکه زنده بود توسط کسی گرفته شود حلال است و الا حرام می باشد .ماهی و میگوهای که صید می شوند اگر مجددا در داخل ظرف آب قرار داده شوند و داخل ظرف آب بمیرند میتة و مردار می گردد و خوردنش حرام است.

(امام خمینی-توضیح المسائل مراجع-1390-ج-2-ص590)

3-1-2-4 ماهی کوچک داخل شکم ماهی بزرگتری که مرده خارج شود و نمی دانیم موقع صید در شکم ماهی زنده بود یا در خارج آب مرده یا نه باید اجتناب کرد.

4-1-2-4 از اجزاء ماهیان حلال گوشت خون و کثافات داخل شکم اش حرام است.

5-1-2-4 صید ماهی برای خوش گذرانی لهوری است ولی صید در صورت دارا بودن سایر شرایط شرعی حلال است و اگر ماهی را از بازار مسلمانان یا از دست مسلمانی خریداری نمائیم حلال است .هر چند معلوم نباشد زنده از آب گرفته و صید شده یا نه و جستجو هم لازم نیست ولی اگر بدانیم که ماهی در آب مرده و یا فلس ندارد حلال نمی باشد.

(مکارم شیرازی-توضیح المسائل مراجع-1390-ج-2-ص592)

6-1-2-4 خاویار و تخم ماهیان حلال گوشت که تذکيه شده باشد حلال می باشد.

خرید و فروش آبزیان حرام گوشت برای مصارف خوراکی حرام و باطل است.

استفاده از گوشت و ماهی بلاد کفر که یقین به تذکيه اش نداريم حرام می باشد و اگر یقین به تذکيه اش داشته باشیم حلال است و اگر معلوم نباشد ماهی زنده از آب صید شده یا نه و یا خارج آب صید شده یا نه باید تحقیق شود و یقین محقق شود و الا خوردنش حرام است.

(امام خمینی-توضیح المسائل مراجع-1390-ج-2-ص591)

3-1-4 نحر شتر

سوم از اسباب تذکيه نحر است:

تذکيه شتر بازدن چاقو و یا هر وسیله آهنی تیزی و یا نیزه به محل نحر شتر (که فرو رفتگی بین سینه و گردن شتر) در فرو رفتگی بدن او است .افضل آن است شتر ایستاده باشد و رو به قبله نحر شود .در حال نحر همینکه شتر رو بقبله بایستد کفایت می کند و اگر چهار رگ گردن شتر را ببرند و تا زمانیکه شتر زنده است به دستوری که گفته شده کارد را در گودی گردن شتر فرو برند گوشتش حلال می گردد و همچنین است اگر به گودی گردن گاو و یا گوسفند کاردی فرو برند و تا زمانیکه جان دارند چهار رگ گردن اش قطع کند گوشتشان حلال می گردد .

(امام خمینی-توضیح المسائل مراجع-1390-ج-2-ص578)

البته در نحر شتر تمامی شرایط ذبح نیز باید رعایت شود از جمله ذابح مسلمان باشد وسیله نحر از جنس آهن باشد محل نحر رو بقبله باشد .ذابح به نیت نحر بسم الله را بر زبانش جاری کند .و شتر در حین نحر زنده بوده باشد و نحر بر شتر زنده واقع شده باشد.

(امام خمینی-توضیح المسائل مراجع-1390-ج-2-ص578)

-4-1-4- صید با سگ تعلیم دیده

یکی از راه های تذکیر حیوان حلال گوشت وحشی است که با فرستادن سگ تعلیم دیده صید و شکار شود.

شرایط صید با سگ معلم و تعلیم دیده؟ اگر سگ شکاری (سگ تعلیم دیده (حیوان وحشی حلال گوشت صید و شکار کندپاک بودن و حلال بودن شکار 6 شرط دارد .

(مسئله 2609 رساله عملیه امام خمینی)(ره)

1 -سگ بطوری تربیت شده باشد که هر وقت آنرا برای گرفتن شکار بفرستند برود و هر وقت از رفتن جلوگیری کنند بایستد ولی اگر در وقت نزدیک شدن به شکار با جلوگیری نایستد مانع ندارد و احتیاط واجب آنست که اگر عادت دارد که پیش از رسیدن صاحبش شکار را می خورد از شکار او اجتناب کنند ولی اگر اتفاقاً شکار را بخورد اشکال ندارد.

2 -صاحبش آنرا بفرستد و اگر از پیش خود دنبال شکار رود و حیوانی را شکار کند خوردن آن حیوان حرام است بلکه اگر از پیش خود دنبال شکار رود و بعداً صاحبش با سنگ بزند که زودتر آنرا به شکار برساند اگر چه بواسطه ی صدای صاحبش شتاب کند بنابر احتیاط واجب باید از خوردن آن شکار خودداری کند.

3 -کسیکه سگ را میفرستد باید مسلمان باشد یا بچه ی ممیز مسلمان باشد که خوب و بد را بفهمد و اگر کافر و یا کسیکه اظهار دشمنی با اهل بیت پیغمبر(ص می کند سگ را بفرستد شکار آن سگ حرام است.

4 -وقت فرستادن سگ نام خدا را ببرد و اگر وقت فرستادن سگ نام خدا را عمدا نبرد و پیش از آنکه سگ بشکار برسد نام خدا را ببرد بنابر احتیاط واجب باید از آن شکار اجتناب نماید.

5 -شکار بواسطه ی زخمی که از دندان سگ پیدا کرده بمیرد پس اگر سگ شکار را خفه کند و یا شکار از دویدن یا ترس بمیرد حلال نیست.

6 -کسیکه سگ را فرستاد وقتی برسد که حیوان مرده باشد یا اگر زنده است باندازه ی سر بریدن آن وقت نباشد چنانچه وقتی برسد که باندازه ی سر بریدن وقت باشد مثلاً حیوان چشم یا دم خود را حرکت دهد یا پای خود را به زمین بزند چنانچه سر حیوان را نبرد تا بمیرد حلال نیست.

(مسئله 2609 رساله عملیه امام خمینی)(ره)

-5-1-4 شکار توسط دام و تفنگ و نیزه و غیره:

اگر حیوان حلال گوشت وحشی را با اسلحه شکار کنند با پنج شرط حلال و بدنش پاک است:

1 -آنکه اسلحه شکار مثل کارد و شمشیر برنده باشد یا مثل نیزه و تیر تیز باشد که بواسطه ی تیز بودن بدن حیوان را پاره کند و اگر بوسیله دام و یا چوب و سنگ و مانند اینها حیوانی را شکار کنند پاک نمی شود و خوردن آنها حرام است و اگر حیوان را با تفنگ شکار کنند چنانچه گلوله آن تیز باشد که در بدن حیوان فرو رود و آنرا پاره کند حلال است و اگر گلوله تیز نباشد بلکه با فشار در بدن حیوان فرو رود و حیوان را بکشد یا بواسطه حرارتش بدن حیوان را بسوزاند و در اثر سوزاندن حیوان بمیرد پاک و حلال بودنش اشکال دارد.

2 -کسیکه شکار می کند باید مسلمان باشد و اگر کافر یا کسیکه اظهار دشمنی با اهل بیت پیامبر(ص می کند حیوانی را شکار نماید آن شکار حلال نیست.

3 -اسلحه را برای شکار کردن بکار برد و اگر مثلاً جائی را نشان کند اتفاقاً حیوانی را بکشد آن حیوان پاک نیست و خوردنش حرام است.

4 -در وقت بکار بردن اسلحه نام خدا را بر زبان جاری کند چنانچه عمداً نام خدا را نبرد شکار حلال نمی باشد ولی اگر فراموش کند اشکال ندارد.

5 -وقتی به حیوان برسد که حیوان مرده باشد یا اگر زنده است باندازه سر بریدن آن وقت نباشد و چنانچه باندازه سر بریدن وقت باشد و سر حیوان را نبرد تا بمیرد حرام است (مسئله 2601 حضرت امام خمینی ره)

اگر دو نفر حیوانی را شکار کنند و یکی از آنان عمداً نام خدا را نبرد و یا یکی از آنان مسلمان نباشد آن حیوان حلال نیست (مسئله 2602 رساله امام خمینی ره)

- 6-1-4عقر:

حیوانی که امکان ذبح اسلامی و یا نحر آن نیست مانند حیوان اهلی که فراری شده و یا در چاه افتاده ، تذکیه آنها به عقر است (یعنی با زدن کارد و مانند آن به حیوان (حیواناتی که ذبح یا نحر کردن آنها ممکن نیست و یا به جهت فراری شدن و یا به جهت افتادن در مکانی) مثلاً چاه (که دسترسی به آن برای ذبح و نحر میسر نیست جایز است با شمشیر یا کارد عقر کنند.

-7-1-4 تبعیت:

حیوانی که در شکم مادرش قرار دارد در صورتیکه مادرش تذکیه شود و سپس از آن جنین در حالیکه مرده از شکم مادر بیرون آورده شود تذکیه این جنین به تبعیت از تذکیه مادرش تحقق می یابد بشرط اینکه جنین تام الخلقه باشد و به آن مو و کرک روئیده باشد . مسئله 2608 رساله امام خمینی (ره)

و اگر حیوانی را شکار کند یا سر ببرند و بچه زنده ای از آن بیرون آید چنانچه آن بچه را به دستوری که در شرع معین شده سر ببرند حلال و گرنه حرام می باشد . مسئله 2607 رساله امام

-8-1-4 صید ملخ:

اگر ملخ را با دست یا بوسیله ی دیگری زنده بگیرند بعد از جان دادن خوردن آن حلال است و لازم نیست کسیکه آنرا میگیرد مسلمان باشد و در موقع گرفتن نام خدا را ببرد ولی اگر ملخ مرده ای در دست کافر باشد و معلوم نباشد که آنرا زنده گرفته یانه، اگر چه بگوید زنده گرفته ام حلال نیست) . مسئله 2622 رساله امام خمینی (ره)

خوردن ملخی که بال درنیاورده و نمی تواند پرواز کند حرام است .

(مسئله 2623 رساله امام خمینی ره)

-9-1-4 تذکیه حیوانات حلال گوشتی که نجاست خوار شوند:

از آنجائیکه حیوانات حرام گوشت برخی ذاتا حرام گوشت هستند که گفته شد به آنان حیوانات حرام گوشت اند بغیر از حیوانات حرام گوشت نجس العین مثل سگ و خوک قابلیت تذکیه را دارند اما برخی حیوانات حلال گوشت که بواسطه مصرف نجاسات و مدفوع انسان بالعرض حرام گوشت می شوند که این حرمت بالعرض است و با دستوراتی که از طرف شارع رسیده این حرمت می تواند از بین برود.

محقق حلی درباره گفته (جواهر الکلام ، ج 36 ص 318) اگر یکی از پرندگان حلال گوشت تنها مدفوع انسان را بخورد محکوم به حکم جلاله می شود و خوردنش حرام است و حلال نیست تا اینکه استبرائی شود در روایتی از امیر مومنان حضرت علی (ع) است که فرمودند الرجاءه الجلاله لا یوکل لحمها مرغ نجاستخوار گوشتش خورده نمی شود.

کیفیت استبراء حیوانات حلال گوشتی که جلا له شدند این چنین است مرغ نجاستخواروهمانندآن اگر از خوردن نجاست سه روز جلوگیری شود و در قرنطینه قرار گیرند استبراء آن محقق می شوند و مدت استبراء مرغابی پنج روز است و حیواناتی که بالعرض خوردن گوشتشان حرام شد بعد از استبراء قابلیت تذکيه را دارند و گوشت شان نیز بعد از تذکيه شرعی حلال میگردد.

-10-1-4 برخی فتاوی مراجع در زمینه تذکيه و حلیت:

س: سر حیوانی را بریده اند و حیوان هم مرده است و سپس معلوم می شود که مقداری از او داج اربعه مثل ربع یا ثلث یا نصف یا کمتر یا بیشتر در بدن باقی مانده است آیا پاک و خوردنش جایز است یا نه؟

ج: جایز نیست و حکم میته را دارد) . امام خمینی (ره) (استفتائات-1372- ج 2، ص 495)

س: آیا می توان گاو را قبل از ذبح کردن بوسیله چوب یا سنگ یا چکش زد به سرش و بی حس کرد و سپس آنرا ذبح کرد؟

ج: حیوان اگر در موقع ذبح جان داشته باشد گر چه با ذبح کردن حلال می شود ولی زدن حیوان برای بی حس کردن آن جایز نیست ..

(امام خمینی ره (استفتائات-1372- ج 2 ص 496)

11-1-4 ضمائیم:

11-1-4 احكام صيد و ذبح از نظر فقهای امامیه:

فصل اول: آبزیان

1 صيد ماهی

- 1 - صيد ماهی عبارت است از زنده از آب گرفتن و بیرون آب جان دادن ماهی
- 2 - در حلیت ماهی شرط است که از قسم ماهی فلس دار باشد که اگر در اصل خلقت از قسم ماهی فلس دار نباشد خوردن آن حرام است و تشخیص موضوع به عهده مکلفین است و اطمینان از گفته کارشناس نیز کفایت می کند.
- 3 - اگر ماهی فلس دار را زنده از آب بگیرند و بیرون آب جان دهد، پاک و خوردن آن حلال است و چنانچه در آب یا در تور ماهیگیری در آب بمیرد پاک است ولی خوردن آن جایز نیست.
- 4 - چنانچه ماهی از آب بیرون بیفتد و یا موج آنرا بیرون بیندازد ، یا آب فرو رود و ماهی در خشکی بماند، چنانچه قبل از آنکه بمیرد با دست یا وسیله دیگر، کسی آن را بگیرد و سپس جان دهد حلال است و در غیر این صورت حرام هستند.
- 5 - چنانچه دریچه تخلیه آب حوضچه های پرورش ماهی را به نیت صيد ماهی باز کرده تا آب کاملاً تخلیه شود و ماهی ها در همان حال جان دهند، صيد محسوب نشده و تذکيه نمی شوند.
- 6 - صيد و عرضه ماهی زنده حلال اشکال ندارد.
- 7 - ماهی و میگو هایی که صيد می شوند و مجدداً در ظرف آبی قرار داده می شوند و در داخل آب دوم می میرند حرامند و فرآوری و نگهداری و توزیع آنها جهت مصرف انسانی ممنوع می باشد.
- 8 - از ماهی آنچه حرام است خون و کثافات آن است و بقیه اعضای آن حلال است.
- 9 - از خوردن ماهی کوچک داخل بدن ماهی بزرگتر که مارده خارج شود و نمی دانید موقع صيد در شکم ماهی زنده بوده و در خارج آب مرده یا نه، بایستی اجتناب کرد.
- 10 - خوردن تمام اقسام میگو حلال است و تذکيه آن مانند تذکيه ماهی است.

- 11 -شکار برای خوشگذرانی صید لاهی است ولی صید در صورت دارا بودن سایر شرایط شرعی حلال است.
- 12 -در صید ماهی لازم نیست صیاد مسلمان باشد.
- 13 -در صورت شک در این که ماهی از قسم حلال گوشت است یا حرام، محکوم به حلیت است اما در مورد زنده گرفتن از آب و مردن در خارج آب اگر شک داشته باشیم ، محکوم به حرمت است.
- 14 -اگر باتصال برق به حوضچه های پرورش ماهی ، ماهی در اب بمیرد ، حرام است.
- 15 -صید ماهی آنطور که در مراکز فروش ماهی زنده انجام شود (که بعد از صید ضربه ای به سر آن زده و فوراً شکم آنرا پاره می کنند) اشکالی ندارد.
- 16 -خوردن ماهی جلال (که از مدفوع انسانی خورده باشد) حرام است مگر اینکه یک شبانه روز آنرا در آب قرار دهند و استبراء شود.
- 17 -مردار حیوانی که خون جهنده ندارد (مانند مار و ماهی) نجس نیست.
- 18 -اگر ماهی از بازار مسلمانان یا دست مسلمانی خریداری شود حلال است هر چند معلوم نباشد که آنرا زنده از آب گرفته یا نه و جستجو نیز لازم نیست ولی اگر بدانیم که ماهی در اب مرده یا فلس ندارد حلال و جایز نیست.
- 19 -خرید ماهی جهت خوردن، از صیاد مسلمانی که رعایت مسائل شرعی را نمی کند ، جایز است، مگر اینکه بدانید مرده از آب گرفته و یا فلس ندارد.
- 20 -استفاده تفریحی و زینتی ازآبزیان مانند نگهداری در آکواریوم یا کلکسیونها فی حد نفسه جایز است.
- 21 -در صورتیکه ماهی مرده و حرام با ماهی حلال مخلوط شود و مجموعاً مقدار محدود و کمی بودند بایستی از فرآوری و عرضه آنها اجتناب کرد.
- 2 -آبزیان حلال
- 1 -تمام اقسام میگو و ماهی های فلس دار حلال است و درموارد شبهه در فلس دار بودن بعضی اقسام ماهی ها، نظر متخصصین مورد اعتماد ، معتبر است و عمل بر طبق آن نمایند.
- 2 -بنا به نظر اهل خبره شاه میگو (لابستر) و خرچنگ آب شیرین جزء دسته میگوها محسوب شده و حلالند.

1-2 اشتراک در خواص و یا تشابه اجمالی در مشخصات ، میزان حلیت و حرمت شرعی نیست .بنابراین اگر شاه میگو (لایستر (از مصادیق میگوی معروف و متعارف) روبیان (باشد و در انظار عموم میگو شناخته شود و اسم میگوی معروف در نزد عرف بر آن صدق کند محکوم به حلیت است و گر نه حکم میگو بر آن مرتبط نیست.

3 -خوردن خاویار و تخم ماهی فلس داری که تذکیه شده ، اشکال ندارد.

4 -تاس ماهیان (اوزون برون، شیب و فیل ماهی (که به شهادت اهل خبره دارای فلس می باشند، حلالند.

5 -در مورد کوسه ماهی، نظر دو نوع از عرف (عام و خاص (کفایت می کند و در این گونه موارد نظر متخصصین مورد اعتماد یا همان اهل خبره، نظر عرف محسوب می شود و عمل به قول آنان در این باره مانع ندارد.

6 -طبق نظر متخصصین ، کوسه ماهی هم مانند ماهیان دیگر دارای فلس و قشر است و با دست کشیدن روی پوستش محسوس است و از نوع ماهیان غضروفی است.

7 -خوردن گیاهان دریایی اشکال ندارد.

3 -آبزیان حرام

1 -از حیوانات دریایی آنچه بر آن خرچنگ صدق می کند عرفا خوردنش حرام است چه فلس داشته باشد چه نداشته باشد و آنچه عنوان ماهی بر آن صدق می کند، با وجود شرایط دیگر محکوم به حلیت است و نیز میگو همه اقسام آن در صورت صدق همین عنوان بر تمامی آنها، محکوم به حلیت است.

2 -خرید و فروش آبزیان حرام، برای خوردن انسان شرعا حرام و باطل است و فرقی در این باره میان فروش یا صلح یا معاوضه حق الاختصاص با پول یا مال دیگر نیست.

3 -خوردن خرچنگ گرد، نهنگ ،صدف دریایی، عروس دریایی، قورباغه و ماهی مرکب حرام می باشد.

4 -خوردن ماهیان بدون فلس مانند جری، مار ماهی، سقنقور، زمیر ، اشلمبو، سفره ماهی، گربه ماهی، اره ماهی ، زمین کن و سوس ماهی حرام می باشد.

5 -فرآوری و عرضه خاویار ماهیان بدون فلس و ماهیانی که در آب مرده اند حرام است.

6- تمساح و کروکودیل حرام گوشت اند.

4- احکام صادرات آبزیان

1- فروش صادرات آبزیان حرام گوشت و نیز آبزیان حلال گوشتی که در آب مرده اند به کسانی که خوردن آنها را حلال می دانند یا به کفار جهت مصرف انسانی جایز نیست ولی چنانچه منافع محله غیر از خوردن انسان نظیر مصارف دارویی، صنعتی، خوراک دام و طیور و نظایر آنها داشته باشند، فروش و صادرات آنها به قصد منافع محله مذکور اشکال ندارد.

2- تکثیر و پرورش و فروش تمساح و مانند آن برای منافع محله از قبیل استفاده از پوست آن، در صورت ذبح شرعی اشکال ندارد. و خرید و فروش گوشت آنها برای غیر خوراک انسان اشکال ندارد ولی برای خوراک انسان (مسلمان و غیر مسلمان) جایز نیست.

3- در خصوص صادرات آبزیان حرام به کشورهای اسلامی و غیر اسلامی، لازم است در مجوزهای بهداشتی و همچنین بر کلیه کارتن ها عبارت، غیر قابل مصرف انسانی یا فقط جهت مصارف دارویی و صنعتی و امثالهم قید شود.

5- احکام واردات آبزیان

1- تذکیه شرعی (فلس دار بودن، گرفتن، خارج از آب مردن) ماهی هایی که از کشورهای غیر مسلمان وارد می شوند بایستی احرار شود و الا عرضه آنها جهت مصرف انسانی ممنوع می باشد اگرچه کافر بگوید آن را زنده گرفته ام چون دلیلی بر حجیت سخن کافر نداریم.

2- اگر ماهی از بلاد کفر یا از دست کافر گرفته شود معلوم نباشد که آن را زنده از آب خارج کرده و در خارج آب جان داده یا نه، حرام است و بایستی تحقیق شود.

3- در استفاده از گوشت و ماهی در بلاد کفر باید یقین به تذکیه داشته باشیم و گرنه محکوم به حرمت است.

4- انواع گوشت و ماهی که از بلاد کفر وارد می شود در صورتی حلال است که احتمال دهند وارد کننده مسلمان تذکیه آن را احرار کرده و در دسترس مسلمین قرار داده است و گرنه حرام است.

4-1 ماهی های کنسرو شده وارداتی از بلاد کفر، چنانچه در بازار مسلمانان عرضه شوند حکم بازار مسلمانان را ندارند و بایستی تذکیه آنها احرار شود.

5- خرید آبزیان از بازار کفار برای غیر خوردن، چنانچه منفعت حلال داشته باشد مثلاً برای خوراک دام و طیور خریداری شود، مانعی ندارد.

فصل دوم: دام و طیور

1 شرایط ذابح

الف -اسلام

ب -تمییز

1 -کسی که سر حیوان را می برد چه مرد باشد و چه زن، باید مسلمان باشد و بچه مسلمان هم اگر مییز باشد، یعنی خوب و بد را بفهمد می تواند سر حیوان را ببرد.

2 -در سر بریدن حیوان، فرق بین زن و مرد نیست.

3 -در حلیت ذبیحه، شرط است که ذابح مسلمان باشد و از این جهت فرقی بین کلیه فرق مسلمین نیست ولی ذبیحه غیر مسلمان اگر چه اهل کتاب باشد و سایر شرایط تذکیه شرعیه را مراعات کند، حلال نیست

3-1 ذابحین مسلمان که افراد ظاهر الصلاحی نیستند ولی اقرار می کنند که موقع ذبح، بسم الله می گویند، ذبیحه آنان محکوم به حلیت است. اگر چه در عمل به احکام اسلام مقصر و گناهکار باشند.

3-2 ذابحین موسوم به علی اللهی یا به اصطلاح « اهل حق » اگر از فرق مسلمین محسوب شوند، ذبیحه آنها محکوم به حلیت است.

4 -کفار غیر اهل کتاب نجس هستند و اگر با لاشه گوشت با رطوبت نیز ملاقات کنند، گوشت نجس می شود.

2- شرایط ذبح

الف - استقبال قبله

1 - در موقع سر بریدن حیوان، باید جلو بدن حیوان رو به قبله باشد و کسی که می داند باید رو به قبله سر ببرد اگر عمدا حیوان را رو به قبله نکند حیوان حرام می شود ولی اگر فراموش کند یا مساله را نداند یا قبله را اشتباه کند یا نداند قبله کدام طرف است یا نتواند حیوان را رو به قبله کند اشکال ندارد.

2 - حتی المقدور در ذبح مذبح مقادیم بدن حیوان باید رو به قبله باشد والا ذبیحه حرام می شود.

3 - اگر مذبح و منحر و بطن حیوان در حال تذکيه به هر صورت در مقابل قبله باشد در حلیت ذبیحه کفایت می کند.

4 - انحراف عمدی از قبله اگر از نظر عرف خارج از جهت قبله محسوب شود، موجب حرمت ذبیحه است.

5 - اگر ذابح به دلیل فراموش کردن مساله یا ، بد فهمیدن مساله ، حیوان را کاملا به طرف قبله ذبح ننماید، ذبح حلال است.

6 - در رو به قبله قرار دادن ذبیحه در هنگام ذبح، باید مذبح حیوان، سینه ، شکم و آنچه که مقادیم بدن حیوان شمرده می شود رو به قبله قرار داده شود و مجرد زیر گلوئی حیوان را رو به قبله قرار دادن در حالی که حیوان روی چهار دست و پایش ایستاده باشد و مقادیم بدنش رو به زمین و زیر پایش باشد کافی نیست البته ذبح در حال خوابیده به نحو معمول لازم نیست و به هر نحوی که استقبال قبله به مقادیم بدن حیوان حاصل شود کافی است.

7 - اگر یقین حاصل شود که ذبیحه را با ترک استقبال قبله عالما عامدا ذبح نموده اند، آن ذبیحه حلال نیست و با فرض عدم اطلاع از چگونگی ترک استقبال قبله ، ذبیحه محکوم به حلیت است.

8 - ذبیحه فرق مسلمان ، محکوم به حلیت است و اخلاص به استقبال ذبیحه از روی جهل ، مضر به حلیت نیست.

9 - رو به قبله بودن ذابح شرط نیست، اگر چه مستحب است.

ب - تسمیه

1 - وقتی ذابح می خواهد سر حیوان را ببرد یا کارد به گلویش بگذارد ، باید به نیت سر بریدن ، نام خدا را ببرد و همین قدر که بگوید « بسم الله یا الله اکبر یا الحمد لله » کافی است و اگر بدون قصد سر بریدن نام خدا را ببرد، آن حیوان پاک نمی شود و گوشت آن هم حرام است . ولی اگر از روی فراموشی نام خدا را نبرد اشکال ندارد.

2 -تسمیه در ذبح شرعی به هر زبانی گفته شود، کفایت می کند و لازم نیست به عربی باشد، اگر چه خوب است به غیر عربی نام نبرند.

3-ذکر نام خدا به هر زبان در ضمن کلام تام کفایت می کند ولی کفایت لفظ جلاله یا نام دیگر به هر زبان اگر تنها باشد یعنی در جمله نباشد ، محل اشکال است

4 -تسمیه به غرض دیگر غیر از ذبح کفایت نمی کند.

4-1اگر تسمیه به قصد ذبح مرغ گفته شود و سپس گوسفندی را ذبح کند، کفایت نمی کند.

5 -پخش تسمیه (بسم الله (از طریق نوار د رحلیت ذبیحه کفایت نمی کند بلکه باید ذابح مسلمان و در وقت ذبح نام خدا را بگوید.

6 -تسمیه اگر به نحوی باشد که بر هر ذبیحه تسمیه صدق کند، کفایت می کند و گر نه کافی نیست.

7 -اگر تسمیه را یک نفر و ذبح را شخص دیگر انجام دهد کفایت نمی کند و تسمیه باید از ذابح باشد.

8 -در تسمیه باید ذابح بداند چه می گوید ولی دانستن معنی تسمیه به تفصیل لازم نیست.

9 -تسمیه از روی تعجب و استهزاء در ذبح کفایت نمی کند.

10 -تسمیه هنگام ذبح باید صورت گیرد و اگر فاصله زیاد باشد قبل از ذبح کفایت نمی کند.

10-1در تسمیه ذابح باید بسم الله را در وقتی که مشغول ذبح است بگوید حتی اگر چند ثانیه پیش از شروع به گفتن تسمیه ، قطع رگ ها را آغاز کرده باشد.

11 -ادای ذکر تسمیه باید به زبان باشد و ذکر قلبی کفایت نمی کند و نجس بودن دهان ضرری به گفتن ذکر نمی زند.

11-1شخص لال، تسمیه را به همان نحوی که می تواند ، بگوید و اگر اصلا نمی تواند به زبان بگوید، زبانش را حرکت دهد به انگشتش اشاره کند.

12 -در ذبح مرغ، در فرض اینکه هر قطعه مرغ ، به هنگام ذبح مقابل ذابح قرار گیرد ، لازم است برای هر یک ولو به حداقل، ذکر جداگانه گفته شود.

12-1در کشتارگاه برای آن دسته از مرغها که بعد از گفتن بسم الله ، با هر ذبح می شوند گفتن یک بسم الله کفایت می کند و برای دسته بعدی که فرصت گفتن بسم الله باشد، باید بسم الله تکرار شود.

12-2 در کشتارگاه یک بسم الله برای ذبح همه مرغها کافی نیست و برای هر کدام هم لازم نیست یک بسم الله گفته شود، بلکه اگر طوری بسم الله و ذبح واقع شود که عرفا صدق کند نام خدا را بر ذبیحه برده کافی است.

ج - آهن بودن وسیله ذبح

1 - باید سر حیوان را با چیزی ببرند که از آهن باشد ولی چنانچه آهن پیدا نشود (و طوری باشد که اگر سر حیوان را ببرند می میرد) با شیء تیزی که چهار رگ آن را جدا کند مانند شیشه و سنگ تیز مش ود سر آن را برید.

2 - در ذبح ، میزان صدق عرفی آهن است و چنانچه عرفا صدق کند که با آهن ذبح واقع شده حلال است

3 - ذبح با استیل که فولاد ضد زنگ است مانعی ندارد.

د - استقرار حیات و حرکت و خروج خون حیوان پس از ذبح

1 - بعد از سر بریدن، حیوان باید حرکتی بکند اگر چه مثلا چشم یا دم خود را حرکت دهد، یا پای خود را بر زمین بزند که معلوم شود زنده بوده است.

1-1 در حلیت ذبیحه ، شرط لازم آن است که ذبح بر حیوان زنده واقع شود و همین قدر که حرکتی بکند که معلوم شود زنده بوده کافی است.

2 - در کشتارگاههای صنعتی ، که قبل از ذبح، از دستگاه های شوک و تفنگهای ساچمه ای جهت بیهوش نمودن حیوانات استفاده می گردد، اگر بعد از شوک و ضربه ساچمه حیوان زنده باشد و ذبح بر حیوان زنده واقع شود، ذبیحه محکوم به حلیت است ، اگر چه بعد از ذبح هیچ حرکتی نداشته باشد.

1-2 اگر در حال اغماء ، حیوان زنده باشد و تذکيه شرعی بر آن واقع شود، خروج خون کم یا زیاد، با فشار و بدون آن در حلیت آن معتبر نیست.

2-2 در روشهای جدید که برای ذبح مرغ، ابتدا بوسیله برق به مرغ شوک می دهند تا ذبح راحت تر انجام شود، تا یقین پیدا نکرده اید مرغ در غیر شوک مرده است و با رعایت سایر شرایط ذبح شرعی، استفاده از آن مانعی ندارد، ولی در صورت یقین به این که بعضی مرغها در اثر شوک و قبل از ذبح شرعی مرده اند، و با بقیه مرغهای حلال مخلوط شده اند، همه مرغها حرام است.

3 - بعد از اینکه سر حیوان بریده شد، متصل نمودن جریان الکتریکی به بدن حیوانان جهت بیرون راندن خون اضافی و یا زدن چاقو به قلب حیوان، حرام نیست و موجب حرمت ذبیحه نمی شود ولی بهتر است بعد از جان دادن حیوان باشد.

4 -نهادن مرغ مذبوح در آب گرم ، پیش از تمام شدن خروج ، ضرر به حلیت مرغ نمی رساند.

5 -جنین دام اگر از شکم مادر تذکیه شده اش مرده بیرون آید، یا مردن بیرون آورده شود، خوردنش حلال است و تذکیه اش به تذکیه مادرش می باشد لیکن شرط اینست که تام الخلقه باشد و مو یا کرک در آورده باشد و مرگش مستند به ذبح مادرش باشد و گرنه میته می باشد.

هـ -استناد به ذابح

1 -ذبح با دستگاه اگر به نحوی باشد که در نظر عرف استناد به ذابح مسلمان داشته باشد و صدق کند که مسلمان حیوان را ذبح کرده، با وجود سایر شرایط مانع ندارد.

2 -در ذبح مرغ و هر حیوان دیگر توسط ماشین، علاوه بر وجوب رو به قبله بودن و ذکر « بسم الله » و آهن بودن آلت ذبح و مسلمان بودن ذابح ، باید عمل ذبح به نحوی باشد که مستند به ذابح گردد مثل آنکه چند مرغ را بخوابانند و تیغه ماشین را بکشند تا گردن آنها را ببرد.

3 -ذبح به وسیله ماشین بدون استناد به ذابح مسلمان با رعایت سایر شرایط شرعی ، کافی در حلیت نیست و ذبیحه در حکم میته می باشد.

و -قطع اوداج اربعه

1 -باید چهار رگ بزرگ گردن حیوان را از پایین برآمدگی زیر گلو به طور کامل ببرند و اگر آنها را بشکافند کافی نیست.

2 -چهار رگ بزرگ گردن عبارتند از حلقوم (مجرای نفس یا نای)، مری (مجرای غذا) و دو رگی که محیط به حلقوم یا مری هستند و موضع ذبح زیر حلق است به طوری که جوزه در سر حیوان واقع شود و باید پی در پی بریده شود.

3 -باید بریدن همه رگهای چهارگانه قبل از خروج روح واقع شود بلکه احتیاط واجب آن است که فاصله بین بردن رگها به مقدار خارج از متعارف حاصل نشود.

3-1در قطع رگها، تتابع لازم است و اگر بعضی از رگهای چهارگانه را قطع و ذبیحه را رها کند تا جان دهد و پس از آن بعضی دیگر را قطع کند حرام می شوند.

4 -اگر در حیوانی که ذبح شده معلوم شود که مقداری از اوداج اربعه مثلا ربع یا ثلث یا نصف با کمتر و یا بیشتر در بدن باقی مانده است، خوردنش جایز نیست و حکم میته را دارد و نجس و حرام است.

4-1 اگر زیر جوزه بریده نشود مثلاً نصف جوزه در دو طرف سر و نصف دیگر در طرف بدن باشد، گفته اند چهار رگ بریده نمی شود و موجب حرمت ذبیحه می شود.

4-2 اگر با فرض ماندن بخشی از جوزه به طرف سر، علم به قطع و بریده شدن چهار رگ حاصل شود ذبیحه حلال است و اگر علم به قطع چهار رگ حاصل نشود ذبیحه محکوم به حرمت است مگر اینکه فوراً و بلافاصله قبل از جان دادن بالای جوزه را قطع کنند، تا علم به بریده شدن چهار رگ قبل از فوت حیوان حاصل شود که در این صورت حکم به حلیت ذبیحه می شود.

5 - اگر مرغی که ذبح شده به علت تیزی کارد، سرش جدا شود و همه رگ به طرف بدن مرغ رفته باشد می توان تا زنده است اوداج اربعه را برید و در این صورت حلال می شود ولی سر که قبل از ذبح شرعی جدا شده حرام است.

6 - لازم نیست خروج روح از بدن ذبیحه مستند به قطع رگها باشد، پس اگر ذبح شرعی بر حیوان واقع شود، حلال است اگر چه بعد از ذبح در آتش بیفتد یا از بلندی سقوط کند و بمیرد. بنابراین پس از ذبح شرعی، اگر با تفنگ یا کارد بر قلب یا مغز حیوان ضربه وارد کنند ذبیحه حلال است.

ز - عدم قطع سر یا نخاع قبل از خروج روح

1 - قطع رگهای چهارگانه از پشت سر جایز نیست و موجب حرمت ذبیحه می گردد.

2 - جدا کردن سر حیوان پیش از خروج روح از روی عمد حرام است علی الاحوط و فرقی در این حکم میان حیوانات و حتی پرندگان مانند گنجشک نیست.

3 - دستور کشتن شتر

1 - شتر باید نحر شود که فرو بردن چاقو و یا نیزه تیز آهنی در نرمی که بین سینه و گردن واقع است می باشد و افضل است که شتر ایستاده و ر به قبله نحر شود.

2 - در حال نحر کردن همین که شتر رو به قبله ایستاده باشد کفایت می کند.

3 - اگر چهار رگ شتر را ببرند و تا زنده است به دستوری که گفته شد کارد در گودی گردنش فرو کنند، گوشت آن حلال و بدن آن پاک است و نیز اگر کارد در گودی گردن گاو یا گوسفند یا مانند اینها فرو کنند و تا زنده است سر آن ببرند حلال و پاک می باشد.

4- اگر شتر درحالی که زانوهای او به زمین زده ، یا به پهلو خوابیده و جلو بدنش رو به قبله است ، کارد را در گودی گردنش فرو کنند اشکالی ندارد.

5- در نحر شتر سایر شرایط از جمله مسلمان بودن ذابح، استفاده از نیزه یا چاقوی آهنی، استقبال قبله، و جوب تسمیه و استقرار حیات قبل از نحر لازم است.

6- چنانچه شتر در مرحله اول وارد کردن چاقو، نحر نگردید، می توان مجدداً با فاصله او را نحر کرد مشروط بر اینکه نحر بر شتر زنده واقع شود.

4- احکام شکار کردن

1- اگر شکار و صید به وسیله سلاح نیز مانند شمشیر و خنجر یا تفنگ به شرطی که گلوله آن برنده باشد کشته شود با رعایت سایر شرایط ، حلال است ولی اگر زنده بماند و زمان برای ذبح آن کافی باشد باید ذبح شود.

2- در شکار بوسیله ی ساچمه هایی که در استفاده از تفنگ معمول است، در صورتی که شکار بوسیله ساچمه بمیرد، حلال نیست.

3- صید و شکار گراز (خوک وحشی) توسط اقلیت های دینی با رعایت سایر قوانین جمهوری اسلامی بلامانع است.

5- احکام بازار مسلمین

1- در کشورهای اسلامی و از بازار مسلمین اگر گوشت تهیه شود محکوم به حلیت است و فحش لازم نیست.

2- مرغهای ذبح شده در کشور اسلامی حلال و پاک است مگر آنکه یقین کنید که خلاف طریق شرعی ذبح شده است.

2-1 خوردن مرغهای بسته بندی شده اگر از بازار مسلمانان تهیه شود، اشکال ندارد.

3- کالاهای چرمی موجود در بازار مسلمین یا کشورهای اسلامی در حکم مذکی است و خرید و فروش و استفاده آن اشکال ندارد و همچنین اگر کشور سازنده آن ، کشور اسلامی باشد.

4- اگر احتمال دهند که وارد کننده مسلمان با اطلاع از چگونگی انواع پوست و اشیای چرمی ساخته شده از آن و احراز تذکيه شرعی آن، مبادرت به استيراد نموده و در بازار مسلمین برای فروش عرضه می کند، ترتیب آثار حلیت بر آن اشکال ندارد.

6- احکام بازار غیر مسلمان

1 - پوستهای وارداتی از کشورهای غیر اسلامی اگر معلوم باشد که حیوان ذبح شرعی نشده در حکم میتة و محکوم به نجاست است ولی پوستهایی که معلوم نیست حیوان آن ذبح شرعی شده یا نه، محکوم به طهارت است و در هر دو صورت استفاده های حلال از آن اشکال ندارد ولی نماز خواندن با آن صحیح نیست.

1-1 پوست نجس اگر قابل استفاده در موارد حلال باشد و احتمال عقلایی داده شود که مصرف کننده نیز در مورد حلال از آن استفاده می کند، وارد کردن و فروش آن به مسلمین اشکال ندارد و مصنوعات چرمی نیز همان حکمی که برای پوست ذکر شد را دارد.

7- خرید و فروش اجزاء حرام حیوانات

1 - تمام چیزهایی که در نزد شیعه خوردنش حرام است ، فروش آن به غیر، حتی کسی که آنرا حلال می داند برای خوردن صحیح و جایز نیست.

1-1 خرید و فروش دنبالان برای خوردن حرام است لکن اهل سنت مجازند که مذهب خود عمل نمایند.

2 -فروش اجزاء حرام حیوانات حلال گوشت به غیر مسلمان یا مسلمان برای مصارف دارویی و معالجات پزشکی اگر برای خوردن نباشد و خریدار برای خوردن نخرد مانع ندارد.

3 -پیوند اعضای حیوانات حرام گوشت به بدن انسان مانع ندارد ولی نماز خواندن با آن اشکال دارد مگر اینکه از قبیل چیزهایی باشد که دارای حیات است که بپیوند آن به بدن انسان، حیات پیدا می کند و جزء بدن انسان گردد و در حکم مذکور تفاوتی میان انواع حیوانات حتی نجس العین نیست.

8 - احکام خوراکی های گوشتی

1 -استفاده از خمیر مرغ در صنایع سوسیس و کالباس که از اسکلیت کامل مرغ استحصال می گردد، در صورت مستهلک شدن نخاع در آن، به طوری که عرفا خوردن نخاع صدق نکند، مانعی ندارد.

2 -شرکتهای سازنده اغذیه و خوردنی ها اگر احیاناً از اجزای حیوان نجس العین و یا حیوان قابل تذکیه ای که تذکیه نشده است ، استفاده می کنند و از همان دستگاه ساخت اغذیه برای ساخت اغذیه با ترکیباتی نباتی هم استفاده می کنند، خرید و مصرف اغذیه ساخت چنین شرکتهایی جایز نیست .ولی اگر اغذیه با ترکیبات نباتی را با دستگاه های دیگری تولید می کنند در این صورت استفاده از اغذیه آن شرکتهای مانع ندارد.

3 -غذاهای گوشتی اهل کتاب که حلیت و طهارت آن موقوف بر تذکیه است، جواز تناول متوقف بر احراز تذکیه شرعی است.

9 -خورانیدن چیزهای نجس به حیوانات

1 -خورانیدن چیزهای نجسی مانند ضایعات کشتارگاهی و گوشت مردار به دام طیور و ماهی مناسب نیست ولی موجب حرمت گوشت آنها نمی شود و نیاز به استبراء ندارد.

2 -مخلوط کردن مشروبات الکلی با آب و خورانیدن آن به مرغ، سبب حرمت گوشت آن نمی شود ولی در صورتی که مرغ در اثر خوردن شراب مست شود و در همان حال ذبح شود بنا بر احتیاط واجب شستن آن قبل از خوردن لازم است و باید از خوردن آنچه در شکم مرغ است مانند دل و جگر اجتناب گردد.

3 -تزریق آمپولهای FSH که از غده هیپوفیز خوک استخراج می شود به حیوان ماده حلال گوشت اشکالی ندارد.

2-11-1-4 استفتائات شرعی صید و ذبح از فقهای معاصر امامیه (شیعه):

- 2-4 مقررات ناظر بر صید و ذبح در فقه اسلام (فقه عامه – اهل سنت):

1-2-4 فقیهان اهل سنت نسبت به تذکيه تقسيماتی دارند از جمله:

1-1-2-4 تذکيه اختیاری: که عبارت است از تذکيه حیوانات اهلی حلال گوشت که در تمکين ذابح است و باید آلت ذبح بر حلق او واقع گردد) .رحمانی-احکام فقهی ذبح- 1377-ص(121

2-1-2-4 تذکيه اضطراری: تذکيه حیوان اهلی است که فراری شده و در تمکين ذابح نیست

میان فقهای اهل سنت به اقسام تذکيه اختلاف نظر وجود دارد) .رحمانی-احکام فقهی ذبح- 1377-ص(121

2-2-4 شروط ذبح در آرای اهل سنت:

برای صحت ذبح فی الجملة شروطی وجود دارد که عبارتند از:

- 1 - ذبح کننده عاقل باشد
- 2 - ذبح کننده مسلمان یا اهل کتاب باشد
- 3 - حیوان ذبح شونده حلال باشد هر گاه شکار بخواد ذبح کند) این که شکار کردن برایش حرام نباشد، مثل فرد محرم که شکار خشکی بر او حرام است)
- 4 - نام الله تعالی را بر ذبیحه ببرد . هنگام به یاد داشتن و قدرت انجام
- 5 - ذبح را برای غیر خداوند متعال نخواهد، این شرط را مالکيه اضافه کرده است
- 6 - از جلوی گردن ببرد
- 7 - دستش را قبل از تمام شدن تذکيه بلند نکند.
- 8 - نیت تذکيه داشته باشد.

-3-2-4 تشریح شروط هشتگانه:

شرط اول: اینکه ذبح کننده عاقل باشد، چه ذبح کننده مرد یا زن بالغ باشد و چه بالغ نباشد، هر گاه که ذبح کننده نابالغ ممیز باشد این شرط نزد جمهور، حنفیه، مالکیه و حنابله چنین است و آن قولی برای شافعیه است.

(ایدرم حسن-مبانی فقهی غذای حلال-1392-ص 371)

حنفیه شرط بودن عقل را چنین تعلیل نموده اند، از صحت نیست نسبت به بسم الله گفتن هنگام ذبح، چاره ای نیست و آن در زمانی است که ذبح کننده بر نیت بسم الله گفتن توانمند باشد، هر چند هم نیت آن بر او واجب نباشد، و صحت بسم الله گفتن از کسی که توانایی عمل ذبح را ندارد، تحقق ندارد.

بنابراین ذبح شده ی دیوانه، بچه ای که عقل ندارد، و مستی که عقل ندارد، خوردن نمی شود. اما بچه، مست و دیوانه و کم خردی که ذبح را می فهمد و بر آن توانمند هستند ذبح شده شان خورده می شود.

ابن قدامه این شرط گذاری را به این صورت توجیه نموده است که فرد غیر عاقل صحیح نیست که نیت ذبح داشته باشد قول ظاهرتر نزد شافعیه حلال بودن ذبیحه ممیز، مجنون و مست با کراهت است، برخلاف فرد خوابیده اما حلال بودن برای این است که افراد یاد شده فی الجمله دارای نیت هستند اما کراهت، برای این است که این افراد در انجام ذبح دچار اشتباه می شوند و تنها ذبیحه ی فرد خوابیده حرام شده زیرا تصور نیت برای چنین فردی نمی رود.

شرط دوم وسوم:

این که ذبح کننده مسلمان یا از اهل کتاب باشد، پس ذبیحه ی بت پرست و مجوسی حلال نیست، و این حکمی است که بر آن اتفاق نظر وجود دارد.

این شرط گذاری را چنین توجیه نموده اند که غیر مسلمان و غیر اهل کتاب اسم « الله » را خالصانه نمی گوید، و دلیل آن این است که مشرک نام غیر خدا را در هنگام ذبح می برد، یا این که برای بتان ذبح می کند، در حالی که خداوند متعال فرموده است (**حرمت علیکم المیتة و الدم و لحم الخنزیر و ما اهل لغير الله به و المنخنقه و الموقوذه و المترديه و النطیحه و ما اکل السبع الا ما ذکیتم و ما ذبح علی النصب**) (سوره مائده آیه 5) و مجوسی اسم الله را بر ذبیحه نمی برد و پیامبر (ص) درباره ی مجوسی فرموده است:

سنوا بهم سنه اهل الکتاب غیر ناکحی نسائهم و لا اکل ذبائهم

«با آن ها به روش اهل کتاب عمل کنید ولی با زنان شان نکاح نکنید و از ذبح و کشتار آن ها نخورید».

نیز به دلیل این سخن خدای متعال «: و طعام الذین اوتواالکتاب حل لکم «تنها ذبیحه ی اهل کتاب حلال شده است، و منظور از طعام آنان ذبایحشان است؛ زیرا غیر از ذبایح از طعام های سایر کفار، ماکول است، و اگر فرض شود که طعام به ذبایح اختصاص ندارد، پس اسم باشد برای آنچه خوراکشان می شود، و ذبایح از خوراک ها است بنابراین، ذبایح تحت اسم «طعام» قرار می گیرند، پس خوردنشان برای ما حلال می گردد.

شرایط حلال شدن ذبیحه ی اهل کتاب:

حنفیه گفتند: ذبیحه ی اهل کتاب خورده می شوند، هر گاه که فرد شاهد ذبحشان نباشد و چیزی از آنان نشنود، یا این که شاهد باشد و بشنود که تنها بسم الله می گویند، زیرا اگر چیزی از آن ها شنیده نشود، بر این حمل می شود که آنها نام خدا برده اند، و این که تنها نام خدا را برده اند، برای گمان نیک کردن به آن ها است، چنان که با مسلمانان چنین رفتار می شود.

و اگر از او ذکر اسم الله تعالی شنیده شود، لیکن منظور فرد گوینده از آن، مسیح (عی) باشد این ذبیحه خورده می شود زیرا او نام بردنی را اظهار کرده است که نام بردن مسلمان است، الا این که بر این منظور خود تصریح کند، به طور مثال بگوید: بسم الله الذی هو ثالث ثلاثه به نام خدایی که سومین خداست. پس در این صورت ذبیحه اش حلال نخواهد بود.

هر گاه از اهل کتاب شنیده شود که نام مسیح را به تنهایی یا نام خداوند متعال و مسیح را با هم ذکر می کند، ذبیحه اش خورده نمی شود، به دلیل سخن خداوند «: و ما اهل لغیر الله به» و در این مورد هم در ذبح نام غیر خدا برده شده است، پس این ذبیحه هم خورده نمی شود.

شافعیه گفته اند: ذبیحه ی اهل کتاب حلال است، هر گاه ندانیم که نام غیر خدا در ذبح برده شده است چنان که در مسلمان هم وضعیت چنین است.

مالکیه گفته اند: در حلال بودن ذبیحه ی اهل کتاب سه شرط وجود دارد: این که ذبح کند آنچه را که در شرع ما حلال است، مانند گوسفند، گاو و غیر این دو، و هرگاه برای خودش ذبح کند، و هرگاه حیوانی را که در مالکیتش قرار دارد، ذبح کند.

حنابله هم در یکی از دو وجهی که دارند، همین را گفته اند. لیکن آنان مسئله را به این مقید نکرده اند که یهودی آن حیوان را برای خودش ذبح کرده باشد بلکه گفته اند اگر یهودی حیوانی را که سم شکافته ای دارد، ذبح کند، در یکی از دو وجهی که از احمد بن حنبل نقل شده، برای ما این حیوان حلال نیست، و وجه دومی که از او نقل شده، عدم تحریم است، و نزد حنابله، این رای، رای برتر است.

شرط چهارم:

جمهور بردن نام خدا را هنگام ذبح، در صورت قدرت بر آن و عدم نسیان، شرط می دانند. شافعیه گفته اند که بردن نام خدا مستحب است، و ابن رشد از مالکیه با آن ها موافقت کرده است، و آن روایتی از احمد بن حنبل است؛ بر این که خداوند متعال با این سخن خود «: و طعام الذین اوتوا الكتاب حل لکم» ذبیح اهل کتاب را بر ما حلال کرده است، در حالی که آنان به هنگام ذبح یاد خدا نمی کنند، و اما این سخن خدای متعال «: **و لا تاكلوا مما لکم ی ذکر اسم الله علیه و انه لفسق**» (سوره انعام آیه 121) در آن دو تاویل وجود دارد:

یکی آن که منظور از آن ذبیحه ای است که نام غیر خدا بر آن برده شده است؛ یعنی برای بتان ذبح شده است، به دلیل این سخن خدای متعال «**و ما اهل لغیر الله به**» و سیاق آیه بر آن رهنمون است برای این که خدای متعال فرموده است: «و انه لفسق» (و حالتی که فسق می باشد، حالتی است که نام غیر خدا را برده باشند، خداوند متعال فرمود: او فسقا اهل لغیر الله به

دومی هم این است که احمد بن حنبل گفته: منظور از آن، مردار است، به دلیل این سخن خدای متعال (و ان الشیاطین لیوحون الی اولیائهم لیجادلوکم) و آن برای این است که مشرکان می گفتند: آیا می خورید آنچه را کشته اید (تذکیه نموده اید) (و آنچه را خدا کشته است، نمی خورید؟ و منظورشان مردار بود.

از دلایلی که بر شرط نبودن بردن نام خدا در ذبح رهنمون است، روایتی است که بخاری از عایشه آورده است: گروهی به پیامبر (ص) گفتند: گروهی برای ما گوشتی می آورند که نمی دانیم که نام خدا بر آن برده شده یا نه؟ حضرت فرمود «: سموا علیه انتم و کلوه» «شما نام خدا را بر آن ببرید و بخورید». «عایشه گفت: آن ها در زمان نزدیک به عصر کفر می زیستند. پس اگر نام بردن خدا شرط بود، ذبیحه ی مزبور حلال نمی گشت، برای این که شک در وجود شرط، شک در آن چیزی است که برای آن شرط شده است) (ایدرم حسن-مبانی فقهی غذای حلال-1392-ص 375)

سپس آن ها که بر شرط بودن گفتن بسم الله اتفاق نظر دارند، بر این نکته نیز اتفاق نظر دارند که مسلمانی که می تواند سخن بگوید و به وجود آن دانا است، هنگامی که آن را از روی عمد ترک کند، ذبح شده اش حرام می شود. همین فقها در لال، سهو کننده و نادان در وجوب بسم الله گفتن از اهل کتاب، اختلاف نموده اند.

درباره ی اهل کتاب، مالکیه گفته اند: در حق آنان بسم الله گفتن شرط نمی باشد؛ برای این که خداوند ذبیح اهل کتاب را مباح نموده است، در حالی که او می دانست که برخی از آن ها بسم الله گفتن را ترک می کنند، و باقی این فقها بسم الله گفتن را در اهل کتاب شرط دانستند.

اما لال، پس حنابله شرط نمودند که به بسم الله گفتن اشاره کند؛ به این که با آسمان اشاره کند، و باقی فقها چنین شرط نکرده اند.

اما سهو کننده نسبت به بسم الله گفتن، ذبیحه اش حرام می شود، و آن روایتی از احمد بن حنبل است که مخالف مشهور می باشد.

اما جاهل به وجوب بسم الله، این مسئله ای است که بین صحابی و فقهای دیگر غیر از آنان مورد اختلاف واقع شده است. از عبدالله بن عمر و عبدالله بن یزید نقل شده که ذبیحه ی کسی که از روی عمد و از روی سهو، بسم الله را ترک کند، حرام می گردد، و از ابن عباس، اسحاق، ثوری، عطاء، طاوس، سعید بن مسیب، عدالرحمن بن ابی لیلی و ربیعہ نقل شده که ذبیحه ی کسی که بسم الله گفتن را از روی عمد ترک کند، نه از روی سهو، حرام می شود.

ح- حقیقت بسم الله گفتن:

ذکر کردن اسم الله تعالی است به هر اسمی که باشد، برای این سخن خدای متعال (**فكُلُوا مِمَّا ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنْ كُنْتُمْ بَايَاتِهِ مُمْنِينَ وَ مَا لَكُمْ إِلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ**) (سوره انعام آیه 118 و (119 که بین اسماء فرق نگذاشته و این سخن خداوند متعال): **وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يَذْكُرْ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ**) برای این که وقتی ذبح کننده اسمی از اسمای الهی را یاد می کند، آن ماکول از ماکولاتی نخواهد بود که اسم الله بر آن یاد نشده است.

بنابراین، آن ماکول حرام نخواهد بود، و چه صفتی را با آن اسم بیاورد، به این که بگوید: الله اکبر، الله اجل، الله الرحمن، الله الرحيم و مانند آنها، و چه صفتی را با آن اسم بیاورد، به این که بگوید « الله، رحمن، رحيم و مانند آن ها؛ برای این که آنچه در آیه شرط شده، ذکر اسم « الله » است، و همین طور است لا اله الا الله، الحمد لله، و سبحان الله گفتن، چه جاهل به بسم الله معهود باشد و چه عالم، و چه این بسم الله گفتن به عربی باشد، و چه غیر عربی، از کسانی که عربی را خوب می دانند، یا آن را خوب نمی دانند. این چیزی است که حنفیه بر آن تصریح کرده اند.

سایر مذاهب بر گفتن بسم الله معهود با عربی موافقت کرده اند، و برخی از آنان در الحاق صیغه های دیگر بدان مخالفت نموده اند، و برخی با این که آن را به غیر عربی بگویند، مخالفت دارند.

بنابراین، مالکیه گفته اند که نام بردنی که واجب است، همان یاد کردن اسم الله با هر شکل و صیغه ای است، از این که بسم الله بگوید، یا لا اله الا الله بگوید، یا سبحان الله بگوید، یا الله اکبر بگوید، و بهتر این است که بسم الله و الله اکبر بگوید (ایدرم حسن-مبانی فقهی غذای حلال-1392-ص 377)

شافعیه گفته اند: در نام بردن خداوند، گفتن بسم الله کافی است، واکمل این است که «بسم الله الرحمن الرحيم» بگویند، و گفته شده که «الرحمن الرحيم» نگوید، برای این که در ذبح عذاب کردن است و «الرحمن الرحيم» مناسب ذبح نیستند.

حنابله گفته اند: روشی که بر آن نص وجود دارد، این است که بسم الله بگویند و غیر آن هم جایگزینش نمی شود؛ برای این که نام بردن خدا به صورت مطلق، هر وقت که از آن یاد می شود، منصرف به گفتن بسم الله است، و گفته شده، الله اکبر گفتن، کفایت می کند، و همین طور الحمدالله و سبحان الله گفتن، و اگر اسم خدا را به لهجه ی غیر عربی بگویند، او را کفایت می کند، هر چند که عربی را خوب بدانند، و این قول نزد حنابله روش پذیرفته است، برای این که هدف، یاد کردن نام خداوند متعال است، و این هدف با همه ی لغات به دست می آید.

شرط پنجم:

شرط پنجم ذبح این است که برای غیر خدا صدایش را به هنگام ذبح بلند نکند. مقصود از این «اهلال» و تعظیم غیر الله است، چه با بلند کردن صدا باشد، و چه بدون بلند کردن صدا، و چه این که با تعظیم خداوند همراه باشد یا نباشد، و مشرکان هنگام ذبح اسمای الهه ی خود را بلند می گویند در حالی که با این ذبیح خود به آنها تقرب می جویند، و این شرطی است که به سبب تصریح قرآن، بر آن اتفاق نظر وجود دارد، جز این که مالکیه اهل کتاب را در برخی از حالاتشان استثنا می کنند.

(ایدرم حسن-مبانی فقهی غذای حلال-1392-ص 377)

برای «اهلال» به غیر خدا صورت هایی است:

صورت نخست: ذکر اسم غیر الله هنگام ذبح بر وجه تعظیم، چه با آن اسم خداوند یاد شود یا نشود. از این قبیل است این که ذبح کننده بگوید: بسم الله و اسم الرسول، پس چنین ذبیحه ای حلال نیست، برای این که خدای متعال میگوید: «و ما اهل لغير الله به» (سوره مائده آیه 3) و برای این که مشرکان با خداوند غیر او را یاد می کنند، پس واجب است که با تنها یاد کردن خدا با آن مشرکان مخالفت شود.

اگر ذبح کننده بگوید: بسم الله و محمد رسول الله. پس اگر محمد را با جر بگوید، ذبیحه حلال نخواهد شد، برای این که در اسم خداوند اسم غیرش را شریک ساخته، و اگر محمد را با رفع بگوید، ذبیحه حلال خواهد شد، برای این که در این صورت، محمد را بر الله عطف نکرده، بلکه با آن جمله ی تازه ای شروع کرده است، پس او را با الله شریک نگردانیده، جز

این که ذبیحه در این صورت مکروه خواهد بود، به دلیل وصلی که از نظر شکل وجود دارد و به صورت جمله حرام متصور می شود. بنابراین، مکروه است. این سخنی است که حنفیه بدان تصریح کرده اند.

شافعیه بدین تصریح نموده اند که اگر بگویند « بسم الله و بسم محمد»، پس اگر مقصود شریک گردانیدن باشد، کفر ورزیده است و ذبیحه حرام می گردد، و اگر مقصودش این باشد که به اسم الله آن را ذبح می کنیم و با نام محمد تبرک می جویم، سخن مکروهی گفته و ذبیحه حلال است، و اگر هم مطلق گذاشته (و چنین قصدی نکرده است) برای این که این سخن موهم شریک گردانیدن است، این سخن حرام بوده و ذبیحه حلال خواهد بود.

صورت دوم : این که ذبح کننده با ذبح قصد تقرب به غیر خدا را داشته باشد، هر چند که نام خداوند را به تنهایی بر ذبیحه بیاورد، و از امثال های آن ذبح کردن برای آمدن امیر و مانند آن است.

خلاصه ی آنچه در درالمختار و حاشیه ی ابن عابدین بر آن آمده ، چنین است : اگر برای آمدن امیر و بزرگانی مانند او برای بزرگداشت آن ها ذبح انجام گردد، ذبیحه حرام خواهد شد، هر چند که خداوند را به تنهایی در ذبح یاد کند، برای این که این ذبیحه برای غیر خداوند ذبح شده است، و اگر این ذبح برای مهمان انجام گردد، ذبیحه حرام نخواهد بود، برای این که چنین ذبحی سنت ابراهیم خلیل(ع) (است، و گرامی داشتن مهمان، بزرگداشت شریعت خداوند متعال است، هم چنین است اگر ذبح را برای دادن ولیمه یا فروش انجام دهد.

فرق بین آنچه حلال و حرام است، این است که اگر به هنگام ذبح، بزرگداشت غیر خداوند متعال قصد شود، آن ذبح حرام است، و اگر هدف از آن اکرام و گرامی داشتن و مانند آن باشد، آن ذبح حلال است.

در حاشیه بجیرمی بر ائقناع آمده است « :اهالی بخارات به تحریم آنچه هنگام دیدار سلطان و برای تقرب به او ذبح می شود، فتوا داده اند.»

شرط ششم:

که تنها مالکيه به آن قایلند، این است که ذبح باید از جلوی گردن انجام گردد، پس ذبیحه ای که از پشت گردنش زده می شود، حلال نخواهد بود برای این که با قطع نخاع حیوان، این حیوان می میرد، و همین طور است اگر از پهنای گردن حیوان را بزنند، و به نخاع آن برسند، و اگر زدن گردن را از یک سطح آن شروع کند و کارد به سطح دیگر آن میل کند، بدون این که نخاع را قطع کند، پس آن ذبیحه خورده می شود.

شافعیه و حنابله بدین تصریح کرده اند که اگر حیوان را از پس گردن ذبح نماید، عصیان نموده است ، پس اگر به سرعت حلقوم و مری بریده شود، در حالی که آن ذبح شونده حیات پایداری دارد، آن ذبیحه حلال خواهد شد؛ برای این که تذکیر در

حال زنده بودن حیوان صدق می کند، و اگر چنین نشود، آن ذبیحه حلال نخواهد گشت؛ برای این که آن حیوان مردار شده و بنابراین، بعد از آن، ذبح به آن سودی نخواهد رساند.

حنابله گفته اند: اگر از روی عمد چنین کند، در یکی از دو روایتی که از آن ها نقل شده، و این قدامه و مرداوی آنرا صحیح دانسته اند، این ذبیحه حلال خواهد شد و روایت دوم این است که این ذبیحه حلال نیست، و این روایت مورد نص احمد بن حنبل بوده و مفهوم سخن، خرقی است.

شرط هفتم:

که باز تنها مالکيه به آن قایل شده اند، این است که ذبح کننده قبل از تمام شدن تذکيه دست خود را بر ندارد. پس اگر دست خود را برداشت، در آن تفصیل است، و حاصلش این است که جز در یک صورت چنین کاری آسیب نمی رساند، و آن صورتی است که بریدن برخی از رگ ها را تمام کرده باشد و بخواهد برگردد تا این که بعد از آن، ذبح را کامل کند، و به جز این صورت، این ذبیحه بالاتفاق یا به نظر برتر خورده می شود.

صورتی که در آن اتفاق نظر وجود دارد، صورتی است که اگر ذبیحه در آن صورت رها شود، زنده می ماند، یا این که زنده نمی ماند و برداشتن دست از روی اضطرار باشد.

صورتی که خوردن ذبیحه در آن برتر است، موردی است که اگر ذبیحه در آن رها شود، زنده نمی ماند، و ذبح کننده برای ادامه ذبح زود بر می گردد و این دست برداشتن هم از روی اختیار است.

شافعیه گفته اند: اگر یک بار یا بیش تر دست خود را بردارد، این دست برداشتن ضرر نخواهد رساند، اگر هنگام شروع مجدد در مذبح، حیات پایداری وجود داشته باشد، و اگر آن را شروع کند، و در آن حیات مذبح نباشد، آن ذبیحه حلال نخواهد شد.

شرط هشتم:

مالکيه، شافعيه و حنابله به شرط بودن نیت تذکيه گرایش یافته اند به این که ذبح کننده نیت تذکيه شرعی داشته باشد، هر چند نسبت به حلال بودن خوردن از ذبیحه حضور ذهن نداشته باشد. پس اگر مجرد مردن ذبیحه را قصد کرده باشد، یا هدفش زدن آن ذبیحه بوده باشد، و به طور اتفاقی به محل ذبح برخورد کرده باشد، آن ذبیحه خورده نمی شود، و همین طور هنگامی که نیت را ترک کند، ولو از روی فراموشی یا ناتوانی، ذبیحه اش خورده نمی شود.

جز این که شافعیه از عنوان « قصد »، « قصد فعل » را اراده نموده اند، چنان که اگر حیوان حلال گوشتی به او حمله کرد، پس با شمشیرش به آن حیوان بزند، سپس سر آن را قطع نماید، خوردن آن حیوان جایز خواهد بود، برای این که قصد کردن ذبح شرط نیست، و تنها قصد خود فعل شرط است که در این جا وجود دارد.

شرایط صحت ذبح با ابزار:

در صحت ذبح دو شرط وجود دارد که به ابزار آن بر میگردند این که این ابزار برنده باشد، این که دندان و یا ناخن کنده شده نباشد.

شرط اول که بین فقها مورد اتفاق است، این است ابزار ذبح بُرنده باشد، چه این که از آهن باشد و چه از آن نباشد، مانند: مروه (سخت ترین سنگ ها)، پوس نی، تیزی عصا، شیشه و صدف بُرنده و چه در برندگی تیز باشد، و چه کند، تا زمانی که برندگی خود را دارد.

اصل در جایز بودن تذکيه با غیر ابزار آهنی روایتی است که از رافع بن خدیج آمد هاست او گفت: ای رسول خدا! ما فردا با دشمن رو به رو می شویم و با ما کاردی نیست. پیامبر (ص) فرمود:

اعجل او ارنی، ما انهر الدم، و ذکر اسم الله فکل، لیس السن و الظفر، و ساحتک: اما السنّ فعظم، و امّ الظفر فمدی الحبشه اما جایز بودن تذکيه با کارد کُند و مانند آن، اگر برنده باشد، پس برای حاصل شدن معنای ذبح و نحر است.

شافعیه تصریح نموده است که در کارد کند، شرط این است که قطع کردن نیازمند توان ذبح کننده نباشد، و این که حلقوم و مری را قبل از پایان زندگی حیوان تا حرکت مذبوح ببرد.

در شرط دوم حنفیه و مالکیه در قولی که ابن حبیب از مالک روایت کرده، به این گرایش یافته اند که ابزار ذبح دندان یا ناخن کنده نشده نباشند. پس اگر چنین باشد، ذبیحه حلال نمی شود، برای این که ذبح کننده بر آن تکیه می کند، پس حیوان را خفه می کند و می میراند، پس خوردن آن ذبیحه حلال نمی شود، و برای همین اگر ناخن کنده نشده، ناخن غیر خودش باشد، ذبح با آن جایز است، و دلیل آن این است که ذبح کننده دست آن دیگری را می گیرد و ناخنش را مانند کارد می کشد، پس ذبیحه حلال می شود، برای این که چنین ناخنی می برد، در حالی که حیوان هنوز نمرده است.

با قید « کنده نشده » دندان و ناخنی که کنده شده اند، خارج می شوند. هر گاه که آن ها برنده باشند، تذکيه با آن ها روا خواهد بود.

این سخن با حدیث گفته شده معارض نخواهد بود برای این که در آن حدیث منظور ناخن و دندان کنده نشده بود، نه کنده شده، و حدیث طبرانی از روایت ابی امامه آن را تایید می کند. ابی امامه گفت : که پیامبر خدا(ص) (فرمود:

«كل ما أفرى الأوداج ما لم يكن قرض سن أو حز ظفر»

«هر آنچه که رگ های گردن را قطع کند ولی دندان و ناخن نباشد را بخور»

به دلیل ظاهر دو حدیث صحیحی که ذکر شد، شافعی به این گرایش یافته و قول صحیح نزد مالکیه هم این است که تذکیه با دندان و ناخن و سایر استخوان ها به طور مطلق ، چه متصل باشند و چه منفصل ، جایز نیست.

حنابله گفته اند، تذکیه با دندان و ناخن جایز نیست، و در تذکیه با استخوان از احمد بن حنبل دو سخن نقل شده ، و با این حال، گرایش حنابله به جواز است.

قول سوم نزد مالکیه این است که تذکیه با دندان و ناخن به طور مطلق ، چه متصل باشند و چه منفصل، جایز نیست.

قول چهارم نزد مالکیه جایز بودن تذکیه با ناخن به طور مطلق و مکروه بودن تذکیه با دندان به طور مطلق است.

از مالک هم جایز بودن تذکیه با استخوان به طور مطلق نقل شده است .مورد اقوال مالکیه جایی است که ابزار تیزی غیر از آن ها پیدا شود، پس اگر ابزار تیز پیدا شد، تذکیه با آن واجب است، و اگر ابزاری جز دندان و ناخن پیدا نشد، ذبح با آنها صورت می گیرد.

مذهب مالک تعیین نحر برای شتر، و ذبح برای حیوانات دیگر است، و شافعی به تخییر بین ذبح و نحر در همه ی حیوانات قایل شده است در صورت قطع شدن رگ های حلقوم و مری در ذبح و نحر، و در روایات، روایاتی که بتواند این تفصیل را اثبات کند، وجود ندارد.

(مبانی فقهی غذای حلال -حسن ایدرم-1392-ص 383)

-3-4 مقررات ناظر بر صید و ذبح در فقه اسلام (مفترقات و مشترکات مذاهب عامه و امامیه:)

تحلیلی بر شروط ذبح از دیدگاه فقهای عامه و امامیه:

1-3-4 از جمله شرایطی که در کتاب های فقهی برای حلیت و طهارت ذبیحه ذکر شده شرط مسلمان بودن ذابح است:

الف: فتوای فقهای معاصر شیعه (امامیه)

آیت الله اصفهانی: شرط است در ذبح کننده که مسلمان یا در حکم مسلمان باشد، مانند کسی که از والدین مسلمان متولد شده بنابراین ذبیحه کافر -مشرک و غیر مشرک - حلال نیست حتی اگر کافر کتابی باشد، بنا بر اقوی.

(رحمانی - احکام فقهی ذبح - 1377-ص 248)

-حضرت آیت الله گلپایگانی و حضرت امام خمینی) ره (هم همین نظر آیت الله اصفهانی را دارند.

حضرت آیت الله صدر: حرمت ذبیحه کافری که تسمیه می گوید از باب احتیاط است

ب: نظر مذاهب فقهی اهل سنت:

فقهای اهل سنت همانند فقیهان امامیه ذبح کننده را سه قسم کرده اند:

1 -کسی که ذبح او به اتفاق همه مذاهب فقهی صحیح است ، که عبارت است از مرد مسلمان، بالغ، عاقل و عامل به احکام

2 -کسی که ذبیحه او به اتفاق همه ی مذاهب ، حرام است، و آن کافر غیر کتابی است

3 -ذبح کنندگانی که ملیت و حرمت ذبیحه آنان مورد اختلاف است ، که از جمله آن ها کافر اهل کتابند.

بیشتر فقیهان اهل سنت بر این باورند که ذبیحه ی اهل کتاب حلال است به شرط اینکه مسلمان بدانند به هنگام ذبح اسم غیر خدا را بر ذبیحه نمی برند و اگر بدانند اسم غر خدا را می برند .مانند آن که بدانند نصرانی اسم مسیح و یهودی اسم

عزیر را می برد، ذبیحه ی آن ها حرام خواهد بود. دلیل آن ها بر حرمت عبارت است از آیه « ما اهل لغیر الله » و آیه « لا تاكلوا مما لم يذكر اسم الله عليه »

تنها مالکیه چنین ذبیحه ای را مکروه می دانند نه حرام، زیرا آنان به آیه « و طعام الذین اوتوا الكتاب حل لکم » استدلال می کنند.

مذاهب فقهی مالکی و شافعی ذبیحه هایی را که در کنیسه ها در اعیاد ذبح می شوند را مکروه می دانند زیرا در آن ها قصد ذبح برای غیر خدا شده است.

(رحمانی-احکام فقهی ذبح - 1377-ص 249)

2-3-4 ذکوریت ذابح:

الف – نظر فقیهان معاصر امامیه:

-حضرت امام خمینی (ره): (در ذابح مرد بودن شرط نیست

-آیت الله حکیم و شهید صدر: ذبح توسط زن مسلمان جایز است

-آیت الله خویی: ذبح توسط زن مسلمان جایز است.

(رحمانی-احکام فقهی ذبح - 1377-ص 271)

ب: نظر فقههای اهل سنت:

-فقههای اهل سنت همانند فقههای امامیه ذبیحه زنان را حلال می شمارند.

زهبه زحیلی در این باره می نویسد: ذبیحه زن حلال است اگر چه حائضی باشد.. زیرا زن شایستگی کامل برای ذبح دارد .

لیکن مستحب است ذابح مرد باشد) (رحمانی-احکام فقهی ذبح - 1377-ص 271)

-3-3-4 بلوغ ذابح

الف: نظر فقهای معاصر (امامیه)

حضرت امام خمینی (ره) در ذابح بلوغ شرط نیست

(امام خمینی - تحریر الوسیله ج 2 ص 276)

-آیت الله حکیم و شهید صدر و آیت الله خویی: بچه مسلمان اگر تذکیر را نیکو انجام دهد ذبح کردن توسط او جایز است، اگر چه خردسال باشد.

آیت الله صفهانی و آیت الله گلپایگانی: در ذابح بلوغ شرط نیست.

(رحمانی - احکام فقهی ذبح - 1377 - ص 276)

ب: نظر فقهای اهل سنت:

فقهای اهل سنت نیز ذبیحه خردسالان را حلال می دانند. آنان بلوغ را شرط صحت ذبح ندانسته لیکن تمیز را در ذابح امر استحبابی می دانند، هر چند ذبیحه غیر ممیز از نظر شافعی مکروه شمرده شده است.

(الفقه الاسلامی وادلته - دکتر وهبه زحیلی - ج 3 ص 652)

-4-3-4 اشتراط عقل و اختیار در ذابح:

الف: فتوای فقهای معاصر شیعی (امامیه)

آیت الله خویی: ظاهراً ذبح مجنون و همانند او هر گاه اجمالاً اهل تمیز باشد با رعایت دیگر شرایط جایز است .

(منهج الصالحین - ج 2 ص 335)

آیت الله حکیم: در جواز ذبیحه ی مجنون که اجمالاً اهل تمیز است اشکال وجود دارد .

(منهج الصالحین - ج 2 ص 357)

ب- نظر فقهای اهل سنت

فقهای اهل سنت نسبت به حلیت و حرمت ذبیحه ی مجنون اختلال دارند برخی از مذاهب فقهی اهل سنت آن را مکروه و برخی دیگر آن را حرام دانسته اند و هبه زحیلی در این باره می نویسد: ذبیحه مجنون و مست از نظر مشهور حلال نیست زیرا برای آنان مانند کودکان غیر ممیز قصد و اراده ای نیست و لیکن شافعی آن را جایز دانسته بنابر اظهر ، زیرا برای آنان قصد و اراده اجمالا وجود دارد .

(الفقه الاسلامی وادلتہ- دکتر وہبہ زحیلی-ج3ص653)

-5-3-4 شرط اختیار و طہارت از حدث اکبر در ذابح:

الف: نظر فقهای معاصر شیعی (امامیہ)

حضرت امام خمینی(ره) ذبیحه زن حائضی و نفساء و مرد جنب حلال است

(امام خمینی- تحریرالوسیله ج2ص129)

آیت الله حکیم و شهید صدر: ذبح مرد جنب و زن حائض جایز است و در ذبح اختیار شرط نیست.

ب: نظر فقهای اهل سنت:

مکاتب فقهی اهل سنت همانند فقهای امامیه طہارت و اختیار را شرط ذابح نمی دانند در نتیجه ذبیحه مکروه و زن حائض و مرد جنب را حلال می شمارند) .رحمانی-احکام فقهی ذبح- -1377-ص (283

-6-3-4 استقبال قبلہ:

الف -فتوای فقہای معاصر شیعی (امامیہ)

حضرت امام خمینی(ره): (شرط اول استقبال قبلہ ذبیحہ هنگام ذبح است ، به این کہ ذابح مذبح)محل ذبح (و مقادیم بدن ذبیحہ) قسمت جلو بدن حیوان (را رو بہ قبلہ کند .بنابراین اگر از روی آگاهی و عمد آن را ترک کند ذبیحہ حرام است و اگر از روی فراموشی یا نادانی یا خطای در قبلہ یا عمل ترک کند حرام نیست، و اگر جهت قبلہ را نداند یا نتواند ذبیحہ را رو بہ قبلہ کند این شرط ساقط می شود .استقبال قبلہ ذابح بنا بر اقوی واجب نیست ہر چند احوط و اولی می باشد .

(امام خمینی- تحریرالوسیله ج2ص131)

آیت الله حکیم: شرط اول استقبال قبله ذبیحه دست به هنگام ذبح، به این که مقادیم بدن مذبح آن را رو به قبله کند بنابراین اگر از روی آگاهی و عمد آن را ترک کند حرام می شود.

ب: نظر فقهای اهل سنت

فقهای اهل سنت در غالب آن چه مورد بحث قرار گرفت با فقهای امامیه اختلاف نظر دارند، زیرا آنان استقبال قبله را مستحب می دانند.

صاحب الصید و التذکیه فی الشریعه الاسلامیه: می نویسد: فقهای اهل سنت در وجوب رو به قبله کردن ذبیحه به هنگام تذکیه اختیاری اختلاف کرده اند، مشهور آنان گفته اند: استقبال ذبیحه مستحب است و غیر واجب اینان عبارتند از مکاتب حنفی - شافعی، حنبلی، مالکی و زیدی)

- 1377 ص (305)

-7-3-4 شرط تسمیه:

الف: نظر فقهای معاصر شیعی (امامیه)

حضرت امام خمینی(ره) دومین شرط تذکیه را تسمیه از طرف ذابح دانسته به این که بر ذبیحه نام خدا را به هنگام ذبح و متصل به ذبح و یا کمی پیش از ذبح بخواند. تسمیه را اگر از روی عمد ترک کند ذبیحه حرام و اگر از روی فراموشی ترک گردد حلال و اگر از روی ندانستن حکم ترک گردد دو قول است که ظاهر تر حلال بودن ذبیحه است. تسمیه باید به قصد ذبح صادر گردد بنابراین تسمیه به گونه اتفاقی یا به قصد دیگر کافی نیست و احتیاط در مراعات عربیت و لفظ الله در تسمیه است)

امام خمینی - تحریر الوسیله ج2 ص(131)

آیت الله خویی: حتی ترک تسمیه از روی نادانی به حکم نظر به حرام بودن ذبیحه دارند.

(رحمانی - احکام فقهی ذبح - 1377 ص - 318)

آیت الله شهید صدر: همانند آیت الله خویی ترک تسمیه از روی فراموشی را موجب به حرمت نمی داند و لیکن ترک از روی جهل را موجب حرمت می داند.

آیت الله حکیم: ذبح شخصی لال را جایز دانسته و تسمیه اش به حرکت دادن زبان و اشاره انگشتان است.

ب: آراء فقهای اهل سنت :

فقهای اهل سنت نسبت به شرطیت تسمیه و چگونگی آن آراء یکسانی ندارند.

دکتر وهبه زحیلی: همه فقها جز شافعیه تسمیه به هنگام ذبح را شرط می دانند.

عبدالرحمن جزیری: شافعیه گفته اند تسمیه (به هنگام ذبح) شرط نیست بلکه مستحب است و حنفیه گفته اند برای تسمیه شروطی است که برخی از آن ها مربوط به صید و برخی دیگر مربوط به ذبح است. در تسمیه در ذبح شرط است از خود ذابح صادر گردد و سبحان الله و لااله الا الله نیز مجزی است و شرط است تسمیه ذکر خالص باشد، و فقهای مالکی گفته اند به هنگام فرستادن حیوان شکاری و در ذبح و نحر تسمیه شرط است این شرط مخصوص مسلمان است و در حق کافر کتابی تسمیه شرط نیست و مقصود از تسمیه ، یاد و نام خداست نه خصوص بسم الله به هنگام ذبح و نحر و عقد بسم الله بگویند و هیچ چیزی جایگزین آن نمی گردد. اگر تسمیه را از روی عمد ترک کند ذبیحه و صید حرام می شود ولی اگر از روی فراموشی و ندانستن حکم ترک کند ذبیحه حلال ولی صید حرام می شود). رحمانی- احکام فقهی ذبح- 1377- ص 321

4-3-8 قطع رگ ها:

الف: فتوای فقهای معاصر شیعی (امامیه)

بیشتر فقهای معاصر شیعی در تحقق ذبح شرعی قطع چهار رگ اصلی (نای - مری - دوشاهرگ اصلی) را معتبر دانسته اند.

امام خمینی ره : در ذبح قطع تمام چهار رگ واجب است حلقوم که مجرای ورود و خروج اکسیژن است و مری مجرای غذا و آشامیدنی هست و محل آن زیر حلقوم می باشد ودجان که دو رگ بزرگ محیط به حلقوم یا مری است و غالبا به این چهار رگ « اوداج اربعه » (اطلاق می شود)

ج2 ص(129)

آیت الله حکیم: واجب در ذبح قطع چهار رگ است در مجزی بودن قطع حلقوم به تنهایی اشکال است اگر چه اظهر عدم اشکال است) منهاج الصالحین- ج2 ص(129)

ب: آرای فقهای اهل سنت:

فقهای اهل سنت همانند فقهای امامیه در رگ هایی که در ذبح باید قطع گردند اختلاف کرده اند.

حنفیه معتقد به شق حلقوم، مری و دجان بود.

شافعیه و حنابله بر این عقیده اند که تنها قطع حلقوم و مری کافی است.

مالکیه قطع حلقوم و دجان را در تحقق ذبح شرعی کافی می دانند.

(الصیدوالتذکیه عبدالحمید عبیری ص436 و435)

4-3-9 استقرار حیات در زنده بودن ذبیحه در هنگام ذبح:

علائمی مثل حرکت پا یا دم یا پلک زدن و یا خروج خون بصورت جهش و فواره آمده است:

الف: فتاوی فقهای معاصر شیعی (امامیه)

حضرت امام خمینی (ره): (استقرار حیات در حلیت ذبیحه را معتبر دانسته و فرمودند در حلال شدن ذبیحه پس از ذبح لازم نیست خروج روح مستند به ذبح باشد بنابراین اگر ذبیحه پس از ذبح شرعی در آتش یا آب بیفتد و یا از کوه پرت شود و بمیرد بنا به اقوی حلال است .

(امام خمینی- تحریرالوسیله ج2 ص129)

ب: نظر فقهای اهل سنت

مکاتب فقهی اهل سنت به استقرار حیات ذبیحه اختلاف نظر دارند .شافعیه برخی بر این باورند که اگر در ذبیحه حیات مستقر نباشد و ذبح گردد تذکیه صحیح نیست و قول دیگر در این مکتب ، حلیت ذبیحه است چه حیاتش مستقر باشد یا نباشد .حنفیه گفته اند کم ترین حیات کافی در حلیت است ولی فقهای مکتب مالکی گفته اند چنانچه وسیله قتل نافذ و کاری باشد تذکیه صحیح نیست در غیر این صورت تذکیه آن صحیح است.

(الصیدوالتذکیه عبدالحمید عبیری ص436 و435)

-10-3-4 استناد به ذابح:

الف: فتوای فقهای معاصر شیعی (امامیه)

آیت الله حکیم: در ذبح قصد معتبر است بنابراین اگر کارد از دست ذابح رها شود و به چهار رگ حیوان اصابت و آن ها را قطع کند حلال نیست هر چند به هنگام برخورد با اعضاء تسمیه نیز گفته شود و هم چنین اگر ذابح مست ، بی هوش ، مجنون و یا غیر ممیز باشد نیز ذبح باطل است .

(منهاج الصالحین - ج 2 ص 358)

ب: فتوای فقهای اهل سنت

فقهای اهل سنت نیز همانند فقهای شیعه قصد را در حلیت ذبیحه شرط می دانند.

عبیری می نویسد: جمهور فقهای مکتب حنفی - شافعی - مالکی - جنسی و ظاهری بر این باورند که قصد در تذکيه شرط است از این رو تذکيه خردسال غیر ممیز را هر چند به آن قدرت داشته باشد جایز نشمرده اند زیرا در تذکيه قصد ندارد.

(الصید والتذکيه عبدالحمید عبیری (479)

- 4-3-11 آهن بودن آلت ذبح:

الف: فتوای فقهای معاصر شیعی (امامیه)

حضرت امام خمینی(ره): (ذبح به غیر آهن در حال اختیار جایز نیست ولی در حال اضطرار و عدم تمکن و از روی ناچاری هر چیزی که رگ ها را قطع کند جایز است.

(امام خمینی - تحریر الوسیله ج 2 ص 129)

آیت الله حکیم: ذبح به غیر آهن در حال اختیار جایز نیست ولی در صورت عدم دسترسی به آهن ذبح به هر چیزی که رگ ها را قطع کند جایز است) .منهاج الصالحین- ج2ص(257

ب: نظر فقهای اهل سنت

عبدالحمید عبیری می نویسد: ذبح با کارد تیز جایز می باشد و بیشتر فقها گفته اند جایز است و فرقی نمی کند که از آهن تهیه شده باشد یا از مس یا سرب یا نقره و یا غیره این معادن و همچنین فرقی نمیکند از چوب باشد یا نی و یا سنگ و شیشه

-12-3-4 خروج خون و حرکت پس از ذبح

الف: فتاوی فقهای معاصر شیعی (امامیه)

حضرت امام خمینی) ره : (سومین شرط صحت تذکيه را حرکت ذبيحه و لو اندک حرکتی و یا خروج خون معتدل دانسته اند) .امام خمینی- تحریر الوسیله ج2ص(132

آیت الله حکیم: شرط سوم تذکيه را خروج خون معتدل داشته بنابراین اگر خون خارج نگردد یا خون سنگینی به گونه قطره قطره خارج گردد ذبيحه حلال نیست هر چند علم به حیات ذبيحه هنگام ذبح داشته باشیم
(منهاج الصالحین- ج2ص(361

آیت الله صدر: معتبر است حرکت ذبيحه پس از ذبح هر چند به پلک زدن یا جنبانیدن دم باشد.

(منهاج الصالحین- ج2ص(339

ب: نظر فقهای اهل سنت:

فقهای اهل سنت در این مورد نظر هماهنگی ندارند بیشتر آنان خروج خون را شرط ندانسته اند.

عبدالحمید عبیری: اگر گوسفندی ذبح گردد و از آن خون خارج نشود، فقهای مکتب حنفی اختلاف کرده اند برخی گفته اند حرام است و برخی گفته اند حلال است چون چهار رگ قطع شده

- 4-3-13 قطع نخاع ذبیحه پیش از خروج روح نخاع ذبیحه قطع گردد:

الف: فتاوی فقهای معاصر شیعی (امامیه)

حضرت امام خمینی: احتیاط در ترک قطع نخاع ذبیحه است ولی گناه است اما ذبیحه حلال است .

(امام خمینی - تحریر الوسیله ج 2 ص 134)

آیت الله حکیم: به این که هنگام ذبح آلت ذبح به نخاع اصابت کند مکروه است

(منهج الصالحین - ج 2 ص 366)

آیت الله خویی: احتیاط در ترک قطع نخاع از روی عمد است

(منهج الصالحین - ج 2 ص 339)

ب: نظر فقهای اهل سنت:

مشهور آنان قطع نخاع را مکروه دانسته اند.

عبدالحمید عبیری: گاهی ذابح رگ های چهار گانه را قطع می کند ولیکن بدان اکتفا نکرده و به نخاع حیوان می رسد بر این عمل، فقها اسم نخع اطلاق می کنند که سر قطع نمی شود گفته شده نخاع مکروه است و این قول شافعیه – حنفیه – زهری – ابی ثور و احمد حنبل است.

الصید والتذکیه عبدالحمید عبیری (447)

(

- 4-3-14 جدا شدن سر ذبیحه:

الف: فتاوی فقهای معاصر شیعی (امامیه)

حضرت امام خمینی (ره): (قطع سر پیش از خروج روح از ذبیحه را جایز ندانسته و اگر از روی عمد باشد اقوی فعل حرام و گناه است ولی از نظر وضعی گوشت ذبیحه حرام نمی باشد خوردنش

(امام خمینی - تحریر الوسیله ج 2 ص 134)

آیت الله حکیم: نزد بیشتر فقها قطع سر ذبیحه مکروه است و گفته شده که حرام است و این نظر موافق احتیاط است
(منهج الصالحین - ج 2 ص 366)

آیت الله خویی: احتیاط لازم در ترک قطع سر ذبیحه از روی عمد و پیش از مردن آن است و لیکن قطع سر از روی غفلت و سهو بی اشکال است) . منهج الصالحین - ج 2 ص 339

ب: نظر فقهای اهل سنت: نظر فقیهان اهل سنت در این مساله نیز هماهنگ نیست برخی قطع سر را حرام و برخی دیگر مکروه دانسته اند.

عبد الحمید عبیری: در قطع سر ذبیحه پیش فقها اقوالی است قول اول: صحت تذکيه با کراهت، یعنی تذکيه صحیح و در نتیجه حلال است ولیکن عمل قطع سر مکروه است این قول حنفیه و شافعیه است و بنابر روایتی نظر مالکیه نیز همین است و حرام بودن تذکيه و خوردن ذبیحه قول مالک است به شرط این که قطع سر ذبیحه از روی عمد باشد.

(الصید والتذکيه عبد الحمید عبیری 444)

فصل پنجم

نتیجه گیری و پیشنهادها

5-1 نتیجه گیری:

«قال الله الحكيم: يا ايها الناس كلوا مما في الارض حلالا طيبا و لا تتبعوا خطوات الشيطان انه عدو مبين» «آیه 168 سوره بقره»

(ای مردم آنچه در زمین حلال و پاکیزه و بهداشتی است را بخورید و از گام های شیطان پیروی نکنید زیرا او دشمن آشکار شماست).

غذای حلال و پاک موجب جدایی انسان از پیروی خط شیطان شده و زنگار را از قلب انسان می زداید تا شیطان را بشناسد و از او اجتناب کند. در این آیه و آیات دیگر قرآن کریم و روایاتی که از اهل بیت (ع) نقل شده تاکید دارند که غذای حلال بر سلامت جسم و روح انسان تاثیر گذارند و نیز غذای حرام و غیر مذکی تهدید کننده سلامت جسمی و روحی انسان است و با توجه به نقش مصلحت و مفسده در احکام دینی که هر گاه امری مصلحت شدیدی داشته باشد واجب و اگر مفسده شدیدی داشته باشد حرام می گردد.

و نیز در نظرات فقهی فقیهان عامه و امامیه در زمینه صید و ذبح که بیان شده همگی بیانگر حساسیت دین اسلام بر امر صید و ذبح می باشد و شایسته است قوانین متناسبی در قوانین و مقررات جوامع دینی باشد که خاصیت بازدارندگی از ارائه غذای غیر مذکی داشته باشد.

وقتی که به قوانین موضوعه در حقوق ایران مراجعه می شود مشاهده می شود در گذشته چنین قانونی وجود نداشت اما به برکت نظام جمهوری اسلامی ایران و تصویب قانون صید و ذبح تا حدود زیادی در تامین غذای حلال و مذکی موثر بوده است اما بنظر کافی نمی باشد.

در قانون و آیین نامه ماده 18 مصوب سال 1352/8/5 فقط به جنبه بهداشتی توجه شده بود و بر رعایت ضوابط شرعی صید و ذبح توجه خاصی نشده و نیز در قانون مجازات اسلامی مواد 679 و 680 و 688 و 729 مصوب 1375/3/2 هم فقط برای تخلفات بهداشتی مجازاتی در نظر گرفته شد. اما در قانون جامع صید و ذبح مصوب 1387/12/14 و آیین نامه اجرایی آن مصوب 1388/10/27 به جنبه های شرعی و ناظر شرعی و ذبح شرعی و ذایح و صید شرعی پرداخته شده است و در ماده (1) اهداف کلی قانون صید و ذبح و در ماده (2) تعاریف و تشریح نظارت شرعی و در ماده (3) تامین کننده امکانات و نیروی انسانی و ابزار لازم برای اعمال نظارت شرعی مشخص شده و در ماده (4) الزامات و تکالیف مدیران کشتارگاهها و مراکز عمل آوری و فرآوری مواد پروتئینی را بیان داشته و در ماده (5) مسئول تامین اعتبارات، اعمال نظارت شرعی مشخص شد. و در ماده (6) نقش و تکالیف موسسه استاندارد بیان شد و در ماده (7) مسئولیت اعمال قانون صید و ذبح بر عهده ی حوزه نمایندگی ولی فقیه در سازمان دامپزشکی کشور نهاده شد و

وظائف حاکمیتی آن آمده است و در ماده (8) جایگاه ناظرین شرعی و روش برخورد با تخلفات در این حوزه غذا بیان شد، و در ماده (9) مجازات مرتکبین به تقصیر در عدم رعایت مقررات مربوط به اصول صید و ذبح اسلامی را تعیین نموده است و در ماده (10) تکالیف کلیه دستگاههای مرتبط به امر صید و ذبح و او در ماده (11) مسئولان امر فرهنگ سازی حوزه حلیت غذا و تبیین تولید و مصرف غذای حلال را مشخص کرده است که تا قبل از تصویب قانون صید و ذبح، امر نظارت شرعی که بنظر حتی اهمیت اش بیشتر از نظارت بهداشتی است بدون متولی مشخص بود ولی با تصویب این قانون متولی امر نظارت شرعی تعیین گردیده شد. تا از طریق صدور دستورالعمل و بخشنامه های صادره با اعمال نظارت شرعی ساماندهی آنرا در کنار نظارت بهداشتی بر محصولات گوشتی داشته باشد.

و در ماده (2) آیین نامه اجرایی قانون صید و ذبح مسئولیت فراهم نمودن امکانات برای اعمال نظارت شرعی بر صید و ذبح را بر عهده ی وزارت جهاد کشاورزی نهاده و در ماده (3) تهیه شیوه نامه استفاده از منافع محله از حیوانات حرام گوشت و قطعات حرام حیوان حلال گوشت را بر عهده حوزه نمایندگی ولی فقیه در سازمان دامپزشکی کشور نهاده است و در ماده (4) موسسه استاندارد را موظف نموده در تدوین ضوابط و مقررات مربوط به استاندارد غذای حلال و اهداء نشان حلال نظر نماینده ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی را جلب نماید و در ماده (5) مسئولیت معدوم سازی (میتة و مردار -در صورت احراز حرمت در صید و ذبح (را بر عهده دفتر نمایندگی ولی فقیه در ادارات کل دامپزشکی گذاشته است و در ماده (6) شرایط گزینش ناظر شرعی را آورده و در ماده (7) وظائف دفتر نماینده ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی بیان داشته است و در ماده (8) وظائف دفاتر نمایندگی ولی فقیه در ادارات کل دامپزشکی را احصاء نموده و در ماده (10) الزامات مراکز کشتارگاهی و کارخانجات فرآوری و عمل آوری و دستگاههای صدور پروانه تاسیس و بهره برداری محصولات گوشتی را و در ماده (11) واحدهای مشمول قانون صید و ذبح را موظف به بکارگیری ناظر شرعی کرده و در ماده (12) تشکیل کار گروه غذای حلال و تعیین اعضاء و شرح وظائف و تکالیف آنان را بیان داشته است.

حاصل تحقیق در مقررات ناظر بر صید و ذبح در حقوق ایران وفقه اسلام

نتایج ذیل می تواند باشد

-1-1-5الف: قانون صید و ذبح بنظر قانونی جامعی است ولی خالی از اشکال نیست .

-2-1-5ب: در مقررات و ضوابط صید و ذبح در فقه اسلام و بررسی نظرات و آرای فقیهان مذاهب عامه و امامیه می توان اینگونه نتیجه گیری نمود که بین نظرات فقهی امامیه و عامه – عموم و خصوص مطلق برقرار است یعنی هر آنچه از نظر فقیهان امامیه حلال باشد از نظر فقیهان عامه هم حلال است پس اگر نظرات فقیهان امامیه در زمینه صید و ذبح اعمال شود، نظرات فقیهان عامه هم برآورده می شود. مثلاً در صید و ماهیان حلال گوشت اگر به نظر فقیهان امامیه عمل شود و صیدی حلال باشد از نظر فقیهان عامه بطریق اولی حلال است و همچنین در ذبح هم اگر شرائط ذبح از دیدگاه فقیهان امامیه رعایت شود بطریق اولی از نظر فقیهان عامه هم حلال می باشد.

پس در زمینه صید و ذبح می توان به وحدت رویه در فقه اسلام قائل شد بگونه ای که در حلیت با رعایت نظرات فقیهان امامیه آن محصول در کل جهان اسلام حلال اعلام شود. بخاطر ایجاد وحدت رویه در بحث کدونشان حلال در شرایط ذبح و حلیت با لحاظ کردن نظرات فقیهان امامیه ، سازمان کنفرانس اسلامی به یک جمع بندی خوب و یکسانی رسیدن تا محصولی که نشان حلال را دارد برای تمامی جوامع اسلامی حلال باشد.

-2-5-پیشنهادهای.....

-1-2-5الف: با تامل در قانون صید و ذبح مصوب 1387/12/14 با همه خوبی ها و مزایایی که دارد در مقام عمل با مشکلاتی همراه است از جمله بند 2 قانون که بایستی دید در بودجه ابلاغی سالانه کشور آیا برای اعمال نظارت شرعی اعتبار مصوبی دیده شده است؟ و یا در نحوه ی پرداخت حقوق ناظرین شرعی (با توجه به اینکه اعمال نظارت شرعی جزء وظائف حاکمیتی است) آیا ناظرین شرعی بدون وابستگی به مراکز و کارخانجات به اعمال نظارت می پردازد یا نه، چرا که وابستگی مالی ناظر به مجری می تواند تاثیر گذار در اعمال نظارت شرعی ناظر باشد.

و نکته دیگر اینکه در ماده (7) آیین نامه اجرای برنامه ریزی برای تحقق اهداف قانون صید و ذبح به دفتر نماینده ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی واگذار شده در صورتیکه در ماده (7) قانون صید و ذبح حوزه نمایندگی ولی فقیه در سازمان دامپزشکی کشور مسئولیت این کار را دارد. **و بهتر بود در آیین نامه هم مسئولیت برنامه ریزی به حوزه نمایندگی ولی فقیه در سازمان دامپزشکی واگذار میگردید بجهت اینکه مجری و مسئول اعمال قانون صید و ذبح مناسب تر می تواند برای پیش برد کارها برنامه ریزی و ساماندهی کند.**

-2-2-5ب: گرچه کارهای خوبی مثل طرح نشان حلال در سازمان کنفرانس اسلامی مطرح و در حال اجراء می باشد ولی باید دقت شود این علائم و نشانه ها به معنی واقعی بیانگر حلیت محصولات گوشتی که این برچسب و برند را دارند باشند نه اینکه این **علائم صوری** و فقط وسیله کسب درآمد بیشتر باشد و استفاده ابزاری از آرم حلال شود، و بدون بررسی و نظارت دقیق مبنی بر رعایت ضوابط و قوانین در کارخانجات و مراکز نشان حلال اهداء نشود و حتی بعد از اهداء نشان حلال باز هم کنترل و نظارت مستمر صورت پذیرد.

5-2-3-ج: برای دستیابی به اهداف و نتیجه گیری مطلوب تر از قانون صید و ذبح پیشنهاد میگردد» دستورالعمل اجرائی «ذیل براساس اختیارت حاصله از قانون صید و ذبح از سوی حوزه نمایندگی ولی فقیه در سازمان دامپزشکی کشور صادر گردد.

5-2-3-1- ضرورت این دستورالعمل:

به منظور پیشگیری و جلوگیری از گسترش تخلفات در حوزه ی غذا که غالبا نشات گرفته از عدم آگاهی و عدم نظارت کافی و دقیق و روح زیادی خواهی است اجراء این طرح را لازم و ضروری به نظر می رسد

5-2-3-2- اهمیت این دستورالعمل:

با عنایت به هشدارهای شدیدی که در آیات الهی آمده و نیز روایت ائمه اطهار (ع) (آمده مانند روایت امام صادق (ع) که فرمودند: **أَكَلُ الْمَيْتَةِ لَا يَمُوتُ إِلَّا فُجَاءَ** که انسان مردار خور به مرگ ناگهانی می میرد و سخن ابی عدالله حسین (ع) (در روز عاشورا فرمودند از جمله عواملی که یزیدیان در روز عاشورا دست به جنایت زدند) **مَلَأَتْ بَطُونَكُمْ مِنَ الْحَرَامِ** (بخاطر این بود که غذای حرام خوردید اثرات وضعی و تکلیفی فوق العاده سوء لقمه حرام که حتی در نسل انسان تاثیرگذار است و نیز اثرات مثبت غذای حلال که در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است که مصرف غذای حلال باعث نورانیت قلب و عبادت و بندگی خالصانه می گردد . حساسیت نظارت شرعی را دو چندان می کند.

5-2-3-3- اهداف دستورالعمل:

اعمال کامل قانون صید و ذبح و اجرای بندهای مسکوت مائده آن و رفع نگرانیها از ذهن مومنین و آگاهی نقش بهتر مراکز مشمول قانون و برخورد متناسب با متخلفینی که عامدا و عالما تخلف می کنند باعث ارائه این طرح گردید.

5-2-3-4- نتایج اجرای این دستورالعمل:

کلیه مراکز مشمول قانون صید و ذبح آگاهی لازم را با توجه به نوع کارشان به دست آورده و نیز متعهد و ملتزم به رعایت آن در واحدهایشان شده و نیز در مراکز مشمول این قانون ، ضوابط و مقررات بشکل اصولی رعایت می گردد . و باعث کاهش تخلفات در حوزه شده و جامعه اسلامی با آرامش و اطمینان بیشتری از حلیت غذاها در سطح بازار مسلمین بهره مند می شوند و نگرانی از عدم حلیت غذا بر طرف می گردد.

5-3-5- تبیین و تشریح دستورالعمل اجرایی:

الف: با هماهنگی وزارت کشور و وزارت صنعت و معدن و تجارت و کلیه مراکز صدور و تمدید پروانه های تاسیس - بهره برداری و بهداشتی و موافقت اصولی برای مراکز و کارخانجات و واحدهای غذای حلال) اعم از تولید - توزیع و مصرف (می نمایند بایستی الزاماً، و بدواً، از حوزه ی نمایندگی ولی فقیه در سازمان دامپزشکی کشور استعلام نمایند و پاسخ استعلام هم حداکثر ظرف ده روز داده شود و فقط فعالان و عرضه کنندگان غذای حلالی که پروانه و مجوز لازم را کسب کرده اند مجاز به فعالیت بوده و از فعالیت مراکز غیر مجاز جلوگیری شود). برای خدمات دهی آسان ترجیحاً تمامی مراحل بصورت ثبت سامانه ای باشد)

ب: بمحض وصول استعلام حوزه نمایندگی موظف است فوراً زمان و مکان دوره ی آموزشی را اعلام، و متقاضی بعد از طی دوره ی آموزش و قبول در امتحان - تعهد نامه ایی مبنی بر التزام به رعایت قوانین و مقررات موضوعه را تحویل حوزه ی نمایندگی ولی فقیه نموده و پاسخ استعلام داده شود، لازم است در کلیه شهرستانها حسب نیاز با هماهنگی ناظر عالی دوره های آموزشی و توجیهی برای دست اندرکاران در حوزه ی غذا برگزار گردد.

ب: با تامین اعتبار لازم بازرسی و نظارت مستمر از واحدهای تولیدی و توزیعی و عرضه کنندگان غذای حلال انجام گردد.

ج: با توجه به ماده (5) قانون صید و ذبح که دولت را موظف به تامین اعتبار لازم برای اعمال قانون صید و ذبح نموده بایستی در بودجه و اعتبار سالانه آموزشی و نظارت شرعی در لایحه بودجه دولت جهت تصویب بر مجلس ارسال شود.

د: کلیه واحدهای تولید و توزیع و عرضه غذای حلال ملزم به دریافت پروانه و کد نظارت شرعی شده و درج کد نظارت شرعی بر روی کلیه محصولات گوشتی الزامی شود.

ه: با استفاده بهنیه از ظرفیتهای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بهداشت و درمان و آموزش پزشکی سازمان صدا و سیما و سازمان استاندارد بر اساس ماده (11) قانون صید و ذبح جهت فرهنگ سازی غذای حلال با جدیت اجرایی شود.

ی: ناظرین شرعی و ناظر عالی (مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در ادارات کل دامپزشکی (که بر اساس ماده (8) قانون مذکور در حکم ضابطین قضائی هستند ضمن آموزش لازم بطور مستمر از مراکز تولیدی توزیع و عرضه محصولات گوشتی نظارت داشته و در صورت مشاهده تخلفات احتمالی متخلفین را به مراجع قضائی معرفی نمایند.

فهرست منابع و مآخذ:

کتاب:

1- قرآن کریم

- 2- علامه سید محمد طباطبائی - (1376) - تفسیر المیزان چاپخانه سپهر
- 3- آیت الله ناصر مکارم شیرازی - (1380) - تفسیر نمونه مدرسه امام علی (ع)
- 4- آیت الله ملامحسن فیض کاشانی (1388) تفسیر صافی - قم دفت نشر توحید
- 5- سید محمدحسن بنی هاشمی (1390) توضیح المسائل مراجع - دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- 6- آیت الله ناصر مکارم شیرازی (1394) برگزیده تفسیر نمونه - دارالکتب الاسلامیه
- 7- محمد رضا حکیمی (1385) - کتاب حدیث الحیاه - قم - انتشارات دلیل ما
- 8- شمس الدین محمد بن جما الدین مکی العاملی شهید اول (1382) - لمعه دمشقیه - قم انتشارات دارالفکر
- 9- علیرضا امینی - سید محمد رضا آیتی (1393) - تحریر الروضه فی شرح اللمعه - موسسه فرهنگی طه
- 10- رضا مهریزی (1384) - مجموعه قوانین ومقررات - سازمان دامپزشکی کشور
- 11- محمد رحمانی - (1377) - احکام فقهی - مرکز مطالعات وتحقیقات حوزه نمایندگی ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی
- 12- مهدی نیلی پور - (1385) - بهشت اخلاق - نشر موسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)

- 13- علی محمد سلطانی - (1388) - غذای حلال سلامتی پایدار - تهران - انتشارات نظری
- 14- آیت الله سید علی خامنه ائی - (1383) - اجوبه الاستفتاءات - تهران موسسه امیرکبیر شرکت چاپ و نشر بین الملل
- 15- حسن ایدرم - (1392) - مبانی فقهی غذای حلال - ناشر اسرار علم
- 16- امام خمینی (1372) - استفتاءات - ناشر - دفتر انتشارات اسلامی
- 17- محمد صادق نجفی - (1365) - سخنان حسین ابن علی (ع) (از مدینه تا کربلا - ناشر دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- 18- مصوبه مجلس شورای اسلامی - (1387) - قانون صید و ذبح
- 19- آیت الله شهید دستغیب - چاپ ششم - گناهان کبیره
- 20- آیت الله سید محمد باقر شیرازی - (1385) - رساله توضیح المسائل - ناشر: انتشارات جم آپادانا
- 21- محمد رحمتی شهرضا - (1389) - گنجینه معارف - ناشر: انتشارات صبح پیروزی

فصلنامه ها

- 1- فرهنگ جهاد شماره - (1374) - 2 صاحب امتیاز حوزه نمایندگی ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی
- 2- فرهنگ جهاد شماره - (1375) - 3 صاحب امتیاز حوزه نمایندگی ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی
- 3- فرهنگ جهاد شماره - (1375) - 4 صاحب امتیاز حوزه نمایندگی ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی
- 4- فرهنگ جهاد شماره - (1374) - 1 صاحب امتیاز حوزه نمایندگی ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی
- 5- فرهنگ جهاد شماره - (1376) - 6 صاحب امتیاز حوزه نمایندگی ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی